



تظاهرات بزرگ در بن



تظاهرات ابتدا با سخنرانی نماینده حزب سبزها که عفو برای آلمان نیز هست شروع، پس از آن پیام سیروس ملکوتیان آهنگساز مشهور ایرانی که در همین زمان در برلین در اعتراض به وضع موجود در ایران، در اعتراض غذا بساز میبرد قرائت شد و سپس با تذکراتی نکته‌گرا بین تظاهرات مستقل از سازمانها

همزمان با روز جهانی حقوق بشر، بدعوت ۳۷ سازمان و تشکلهای پناهندگی و همچنین ایرانیان شهرهای مختلف آلمان غربی، روز ۱۹ آذر (۱۰ دسامبر) قریب به دوهزار ایرانی در شهر بن گرد آمدند تا ضمن یک راهپیمایی، صدای اعتراض خویش را نسبت به قتل عام زندانیان سیاسی در ایران بگوش افکار عمومی جهان بیاورند.

آیا حزب "کمونیست" کومه له از انزوا خارج میشود؟

در صفحه ۸

ادامه مصاحبه با

حزب کمونیست ترکیه - اتحاد

در صفحه ۱۲

برزیل: پیروزی انتخاباتی چپ

در صفحه ۱۱

اخباری از کشتار

زندانیان سیاسی

در صفحه ۴

انعکاس اخبار کشتار زندانیان

در مطبوعات جهان

در صفحه ۷

عفوین الملل:

بزرگترین کشتار

بزرگترین موج اعدامها از آغاز دهه هشتاد

سازمان عفوین الملل طی بیانیه‌ای بتاريخ ۱۲ دسامبر برای بار دوم طی ماههای اخیر، جهان‌نیان را از فجایع غریب و بیسابقه‌ای که در زندانهای جمهوری اسلامی انجام میگردد مطلع ساخت. بیانیه اخیر با ابراز نگرانی شدید از اعدامهای دستجمعی و جماعی که در زندانهای ایران براه افتاده است، اظهار امیدوارید که بسیاری از اعدامشدگان را زندانیان تشکیل میدهند که طی سالهای ۸۱ - ۱۹۸۰ تنها بجزم بخش اعلامیه با زدا شده‌اند. بیانیه همچنین می‌افزاید که در میان قربانیان

بقیه در صفحه ۳

تا قطع کامل اعدامها مبارزه را ادامه دهیم!

رژیم تبهکار جمهوری اسلامی در اجرای طرح جنایتکارانه و بی‌غایت‌فاشیستی قتل عام زندانیان سیاسی برعکس جنایات سال ۶۰ به تکتیکهای پیچیده‌ای متوسل شد تا حتی الامکان از انعکاس جنایات جلوگیری کرده و واکنش‌های تند مسمول خانواده‌های زندانیان سیاسی و شونده‌های آگاه را تحت کنترل داشته باشد، جانانی رژیم در آستانه اجرای طرح قتل عام، زندانیان را در دسته‌های بزرگ، از زندانیان دیگر منتقل کردند تا ارتباط زندانیان را با یکدیگر قطع کرده و آنها را نسبت به سرنوشته هم‌درسی خبری نگهدارند. عده‌ی بسیار زیادی را نیز به سلولهای انفرادی انداختند و همراه با آن ملاقات خانواده‌ها را نیز قطع کردند پس از اجرای طرح شوم کشتار جمعی، با زهم تلاش کردند خبر اعدامها تدریجا انتشار پیدا کند، تا از حرکت‌های هماهنگ و غیرمنتظره خانواده زندانیان در مقابل زندانها جلوگیری شود، از این رو به خانواده‌ها اطلاع داده شد، مقابل در زندانها بنام و روز ملاقات از طریق تلفن به آنها اطلاع داده خواهد شد، رژیم با این تاکتیک توانست تا حدودی از تجمع خانواده‌ها در یکجا مانع کرده و از انتشار وسیع و انفجاری رگونه‌ها خبر جلوگیری کند، پس از آن در روزهای مختلف خبر اعدام قربانیان را به بستگان نشان دادند و لب‌ها سها و وصیت‌نامه‌های شهدا توسط کمیته‌های محل‌های دیگر به خانواده‌ها تحویل داده شد و همچنین از خانواده‌ها تمهید گرفته شد که مراسم ترحیم و بزرگداشت برگزار نکنند، علاوه بر این گوی‌ها را تبلیغات چپی خود را به گوشه و کنار کشور فرستاده تا در سخنرانی‌های خود دم‌آزادی و عفو زندانیان سیاسی زده و محبت آزادی فعلیت احزاب به میان آورند تا اذنان توده‌ها را کاملاً منحرف سازند.

اما علیرغم این تلاشهای فریبکارانه رژیم خیر موج اعدامها در ایران توسط خانواده‌های زندانیان سیاسی پیگیرانه در سرا سر کشور پیش و از طریق مختلف به پوزیسیون انقلابی و ترقیخواه در خارج از کشور رسانده شد، جنبش دمکراتیک و انقلابی در خارج از کشور با تمرکز قابل ملاحظه‌ای روی شعار دفاع از زندانیان سیاسی در این مدت توانست، با اتخاذ اشکال متنوع تبلیغاتی از جمله اعتصاب غذا

بقیه در صفحه ۵

علیه اعدام و شکنجه و برای نجات جان زندانیان سیاسی بپا خیزیم!

تظاهرات بزرگ در بن

واحزاب سیاسی عمل میکنند، راهبیمانی آغازگشت. درپایان راهبیمانی قطعنامهی قرائت شد که در آن از جمله آمده است:

"امروز در روز جهانی حقوق بشر، گمراهی آمده به نام موج اعداها و قتل عام زندانیان سیاسی در تمام زندانیان ایران توسط رژیم قرون وسطایی جمهوری اسلامی را محکوم کنیم... ما... در اینجا گرد آمده ایم تا توجه و اعتراض افکار عمومی و سازمانهای بین المللی را نسبت به نقض حقوق بشر و قتل عام زندانیان سیاسی ایران برانگیزیم. ما شرکت کنندگان در حرکت اعتراضی امروز اعلام میداریم:

۱- ما خواستار قطع فوری قتل عام زندانیان سیاسی ایران و آزادی بی قید و شرط باقی مانده زندانیان هستیم.

۲- ما خواستار لغو مجازات اعدام هستیم.

۳- ما خواهان آنیم که دولتها به هر شکل ممکن رژیم جمهوری اسلامی را زیر فشار بگذارند تا به پیش از این مانع سفر هیئتهای بازرسی کننده از زندانیان ایران نشود.

۴- ما خواستار آنیم که هیئتهای از مراجع بین المللی برای بررسی وضع زندانیان، تهیه گزارش از گورهای دسته جمعی و دفاع از حقوق زندانیان سیاسی ایران اعزام شوند.

۵- ما از رسانه های گروهی آلمان و جهان می خواهم اخبار جنایت های رژیم جمهوری اسلامی را در سراسر جهان با زتاب دهند.

۶- ما دروغ بزرگ مسئولین جمهوری اسلامی در تکذیب قتل عام زندانیان سیاسی ایران را افشا و شدت آنرا محکوم میکنیم."

در پایان قطعنامه شرکت کنندگان ضمن محکوم کردن سکوت مجامع بین المللی اعلام داشتند که تا گرفتن نتیجه قطعی که همانا قطع اعدام و شکنجه و آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی ایران است به مبارزه خود ادامه خواهند داد. ما از هموطنان آزادخواستاریم تا می ابتکار خود را در جهنت دفاع از زندانیان سیاسی ایران، متحداً به کار گیرند."

سازمانها و گروههای دعوت کنند عبادت بودند از:

- انجمن ایرانیان مقیم و سلینک
- انجمن ایرانیان کوبلینز
- انجمن اندیشه آزاد - بن
- انجمن اجتماعی فرهنگی - بن
- انجمن زنان ایرانی - کلن
- انجمن پناهندگان شهزورف
- انجمن پناهندگان و دانشجویان ایرانی - کال

- جمعی از خانواده زندانیان سیاسی ایران مقیم خارج از کشور

- جمعی از پناهندگان سیاسی - بوخوم

ما نیز گذشته میدهیم

ما نیز گذشته می شویم

آری؛ آری؛
اما اما

برای زیستن
و،
پس بی گریستن

برای آزادی
و،
پس با شادی



- جمعی از مردمان دفاع از زندانیان سیاسی ایران - آخن
- جمعی از مدافعین زندانیان سیاسی در ایران - نورنبرگ
- جمعی از ایرانیان مقیم در مشات
- جمعیت دفاع از زندانیان سیاسی ایران
- خانه ایرانیان - اسن
- کانون دمکراتیک ایرانیان - هایدن هایم
- کانون پناهندگان سیاسی ایران مقیم هاگن
- کانون پناهندگان سیاسی شهرکیل
- کمیته دفاع از زندانیان سیاسی - اولدنبورگ
- کمیته صلح و عدالت برای جهان سوم
- کمیته موقت دفاع از زندانیان سیاسی - هایدلبرگ
- کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران - بن
- کمیته موقت دفاع از زندانیان سیاسی ایران - شهر اشتوتگارت
- مرکز ایرانیان - دورتموند
- کانون دفاع از زندانیان سیاسی - برلین
- کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران - فرانکفورت
- شورای پناهندگان ایرانی - آکسبورگ
- کمیته موقت حمایت از زندانیان سیاسی - زیگن و حومه
- جمعی از ایرانیان تبریز
- ایرانیان مترقی - فلننبرگ
- شورای هماهنگی پناهندگان سیاسی ایران شهر بخولت
- دانشجویان مقیم مونسترلند
- جمعی از ایرانیان شهرلمگو
- جمعی از پناهندگان سیاسی در هامبورگ
- کمیته دفاع از حقوق سیاسی - اجتماع ایرانیان - بیلفلد و حومه
- عده ای از پناهندگان و دانشجویان شهروپرتال
- جمعی از ایرانیان - زاربروک

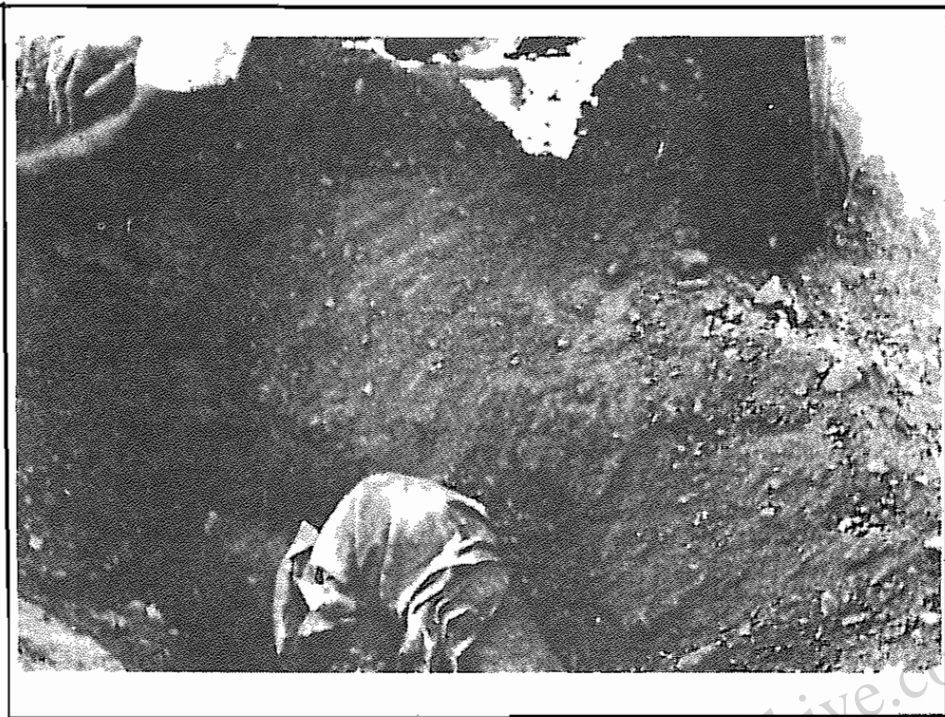
سرنگون باد جمهوری اسلامی!
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

غوبین الملل :

((بزرگترین موج اعداها از آغاز دهه هشتاد))

بزرگترین گشتار

ادامه صفحه ۱



فروبندها، انکار وجود اعداها و آنرا بخترفندها مبر -
با لیسمدانستن، موضع نادرستی است که با از روی

سوسیا لیستی از فجا بی که بر طبقه کارگرو زحمگشان
ایران میگذرد ناقص اول انترنا سیونا لیسم است.



بی اطلاعی صورت میگیرد که ماگان نمی کنیم چنین
باشد، با از روی ملاح و مصلحت های دیپلوما تیک
است که در هر حال از نظر زحمتگشان ایران محکوم
است .

برای محکوم کردن مرتجعین جمهوری اسلامی
و کوتاه کردن دست آنها، آنهم در شرایطی که خودشان
به جنا پاتشان اعتراف میکنند و افکار عمومی
جها نیان را به ریشخند گرفته اند آدم نباید حتماً کمونیست
باشد حتی یک دمکرات ساده و با وجدان نیز نمی -
تواند در مقابل این وحشیگریهای مادیون بشری لب

افراد بی چشم میخورند که پس از آزاد سازندگان بار دیگر
دستگیر شده اند و بی هیچ جرمی به دست جوخه های
مرگ سپرده شده اند .

انمنستی، با انتشار اسامی ۳۰۰ تن از اعدا م -
شدگان، اظهار اطمینان میکند که تعداد قربانیان
به هزاران نفر میرسد و موج اعداها را اخیر بسیار
گسترده تر از اعداها میانی است که توسط رژیم اسلامی
طی سالهای ۸۱ - ۸۰ صورت پذیرفت .

همزمان با انتشار این بیانیته در لندن ،
نمایندگی غوبین المللی در بن، با بیخند آلمان
فدرال، از دولت مذکور تقاضا کرد، تا زمانیکه قتل
عام زندانیان سیاسی ایرانی ادا نموده و دستورات
پناهندگانی که در دادگاهها رد شده اند ممانعت
بمعامل آورد زیرا خطر دستگیری و مرگ این افراد را نیز
تهدید میکند .

انتشار بیانیتهها زمان غوبین الملل در
شرایطی صورت میگیرد که تنها دو هفته از تاریخ
صدور قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد می-
گذرد که طبق آن جمهوری اسلامی بخاطر نقض مکرر
حقوق بشر از سوی اکثریت نمایندگان محکوم شده
است . رژیم جمهوری اسلامی تلاش فراوانی بکار برد
تا مانع صدور چنین قطعنامه ای شود اما فشار افکار
عمومی جهان، و اذعانها اعتراضات و افشاگریهای
اپوزیسیون، بخصوص اپوزیسیون ترقیخواه ایران ،
و اذعانها گسترده جناات رژیم که توسط این نیروها
از پرده بیرون افتاده است تلاشهای مذبحا نه رژیم
رابی اثر ساخت . و انتشار قطعنامه مذکور همچون
ضربه ای بفرق رژیم فروآمد ، تا حدی که رهبران
جنا پتکار رژیم ، هاشمی رفسنجانی و خامنه ای ، را به
اعتراف و اذاعت تا به زپان خود از جنایت هائی که
مرتکب شده اند سخن گویند .

خبر مربوط به صدور قطعنامه مجمع عمومی
سازمان ملل که از سوی خبرگزاری فرانسه در دوم
دسامبر انتشار یافته مراتب آراء نمایندگان کشور -
های عضو را به این شرح گزارش کرده است : ۵۵ رای
در تائید اعداها ، ۲۳ رای مخالف و ۳۸ رای ممتنع
بوده است . مسئله قابل توجه در این آراء آنست که
آراء ممتنع عمدتاً به کشورهای سوسیالیست تعلق
دارد . در میان این کشورها تنها مجارستان رای مثبت
داده و کوبا نیز با موافقت و وجود چنین اعداها بی-
گشته است . بدین ترتیب ما با ردیگرها هد بر خورد
مخالفه کارانه و بدورا زروح و منش انترنا سیونا -
لیستی از جانب این کشورها نسبت به مبارزات خلق
های ایران و جنا پت هائی که علیه آنها میشود
هستیم . ما با رها گشته ایم سکوت در مقابل ایسسن
اعداها و بی خبر گذاشتن پرولتاریای کشورهای

اخباری از کشتار زندانیان سیاسی

زندانیان سیاسی فسی نفسه افتادند و محکم سردمداران رژیم تبهکار رفقا در طی سالیان اخیر مبنی بر عدم مقاومت زندانیان و در صدد لای توانین و حل مسأله گروهای سیاسی نیز هست، اما خانواده‌های جاسور زندانیان سیاسی نیز با به پای تداوم اعتراض و مبارزات روزمره خود علیه استمگری قرون وسطائی رژیم فقها را سپردند و در وقت این شهدای جاوید خلق را به نمایش از پای بندی و وفاداری به آرمانهای انقلابی عزیزان شهید خود مبدل ساخته و بدین وسیله گوشه‌ای از پستان نیل بالی مبارزاتی شان را به نمایش میگذارد. بجز در دریا فت خبیر اعدا مچا نواده‌های بسیاری از شهدا و زندانیان سیاسی با حضور و شرکت فعال خود در مراسم با سو اعدا دشگان همبستگی و همدردی خود را با حمل دسته‌های بزرگ گل بر مرز شهدای سرفرازان برآورد می‌دارند.

در هفته‌های اخیر نیز ۷ تن دیگر از زندانیان سیاسی در ارومیه و در جریان طرح پاکسازی زندانها در برابر جوخه‌های اعدا رژیم اسلامی قرا گرفته و به شهادت رسیده‌اند!

در طی ماههای اخیر محافل و مجامع مترقی پزشکی ایران بطرق مختلفی نسبت به اعدا پزشکان کشور در زندانها، مبارزاتی را سازمان داده‌اند که از جزئیات حرکات اعتراضی این محافل پزشکی تاکنون خبر کار ملی دریا فت نگردیده‌ایم. همچنین در زندان گوهردشت دست کم ۲۵ پزشک در اسارت بسر میبرند که خطرات متعددی از این پزشکان قهرمان را نیز تهدید میکند!

در اواسط مهرماه در شهر صحنه (یکی از شهرهای استان باختران) ۲ سرباز قرا ری که تاکنون چند بار اعدا مبه قرا رنموده بودند در ملاه عام در اوج قساوت و بیرحمی جلادان و در برابر برچسمن حیرت زده و مغز پز خانوادهایشان اعدا شده‌اند. این ۲ سرباز ضمن با یکدیگر نسبت خانوادگی داشته و از افکار انقلابی و روحیات مبارزاتی نیز بهره‌مند بوده‌اند که این چنین در کام خونین فقهای جنایتکار هلاک گشته‌اند.

آیا در برابر گستره پهنای این تالانگری بیما بقه تاریخی، اقدامات تاکنونی محافل بین المللی و بشردوستانه و همچنین سلسله حرکات اعتراضی پنهانندگان در خارج از کشور کافی بنظر میرسد؟ ما با یت تمام توان خویش را در راستای سازماندهی گسترده تریب اعتراضات جهانی علیه این وحشیگریها بطور بی وقفه ادامه دهیم. خلق در زنجیرمان از عرصه‌های علنی فعالیت انقلابی و هرمهای فشا در خارج از کشور انتظاراتی بیش از این را دارد!

محا که شده و بر مبنای معیارهای ذکر شده به اعدا مویا زندانیان طویل مدت تر محکوم خواهند گردید. اما ما ز دوم، این آزاده‌های بیرحمانه یعنی تجدید محاکمه زندانیان سیاسی که دوران محکومیت خود را طی میکردند در ظرف سه ماه اخیر و تا دوم آبان ماه سال جاری، تنها در زندان گوهردشت کرج مجموع ۷۲۵ قربانی داشته‌است که تنها در قطعه‌ای مجزا در گورستان بهشت سکینه کرج مدفون گردیده‌اند. اما بعد از این کشتار بسیار هنگامی بخوبی در خواهم یافت که در نظر داشته‌باشیم که رژیم فقها در حالیکه جوانان بیرومند و انقلابی میهنمان را به جرم خواندن و یا پخش اعلامیه در همان محاکمات فرمایشی اولیه به اعدا محکوم میکنند اکثر زندانیان دارای محکومیتهای حبس اساسا از پرونده‌های سبک تری برخوردار بوده و صرفا بواسطه پایداری و عدم تمکینشان به جلادان فقیه اکنون تجدید محاکمه و به جوخه‌های اعدا مسپرده میشوند. البته هنوز آثار دقیقتری از تعداد زندانیان تیرباران شده در جریان موج جدید سرکوب فاشیستی در دست نیست ولی بسر اساس آخرین اخبار دریا فتی آمار قربانیان هر چندین هزار نفر بالغ میشود. اما هر آندازه شقاوت و بیرحمی جلادان فقیه فزونتر میشود، ذره‌ای از روحیه انقلابی و مبارزاتی زندانیان سیاسی و خانوادها‌های قهرمانشان کاسته نمیشود. این مبارزه و مقاومت آنچنان حماسی و قهرمانانه می‌باشد که تمامی تلاشهای مذبوحانه رژیم و اعمال سبعانه فرین شیوه‌های شکنجه جسمی و روحی جهت درهم شکستن روحیه مبارزاتی زندانیان سیاسی ناکام مانده و اسرای دلاور خلق علی‌رغم احتمال اعدا خود از پذیرش مصاحبه و ابراز ندامت سرباز زده و به زعم آنکه بسیاری از آنان دوران محکومیت خود را سپری میکردند با سربازان افراشته در برابر جوخه‌های سرک رژیم سفاک اسلامی قرا گرفته بخاک افتاده‌اند. همچنین در ماههای اخیر بر اثر پیگیری و تلاش مستمر خانوادها‌هایی که فرزندان و یا عزیزان شان به تا زگی در زندان گوهردشت اعدا شده‌اند موفق به ملاقات با سردار و غبه با مطلاع دادستانی انقلاب اسلامی کرج "مرتضوی" میشوند. مرتضوی جلاد صراحتا در دیدار با پاره‌ای از این خانوادها از طسرح پاکسازی و تصفیه زندانیان سراسر ایران تا دهه انقلاب برده برداشته و عنوان کرده‌است که رژیم در نظر دارد که در دهه‌های سال حاکمیت جابرا نشه و نتگین خود مسأله‌ای بنام زندانیان و زندانیان سیاسی نداشته و بنا بر این می‌بایست تمامی زندانیان از وجود زندانیان خبیث (یعنی زندانیان تسلیم‌نا پذیر و مقاوم) تصفیه گردد، که البته این اظهارات در کناره‌ها با دیدها بقه کشتار جمعی

موج گسترده و سراسری سرکوب فاشیستی و برپائی حمام خون در سراسر جهانهای رژیم اسلامی که از مرداد ماه سال جاری با سمیعی هولناک آغاز گردیده با آهنگی پرشتاب همچنان تداوم خواهد یافت. بدنبال صدور فتوای جنایتکارانه موسوی اردبیلی در تبرکذ تشریفات اداری، یعنی محاکمات چند دقیقه‌ای زندانیان سیاسی، در نیمه مرداد ماه جلسه مشترکی میان کلیه حکام مرتجع شرع در بیدارگاههای اسلامی در حضور خمینی جلاد برگزار میشود که در جریان آن طرح تصفیه خونین تمامی زندانیان و با امضای رهبر خون آثام به تصویب رسیده و بلافاصله به اجرا گذاشته میشود. بر مبنای این طرح فاشیستی، پرونده تمامی زندانیان سیاسی اعم از بلاتکلیف و یا زیر حکم در طی یک زمان نسبت معین یعنی تا دهه انقلاب (بهمن ۶۷) می‌بایست بسویت بررسی شده و در چندین گروه دسته بندی شوند. بمنظور تسهیل و تسریع این سلاخی تاریخی در وهله نخست می‌بایست از انتشار هرگونه اخباری در ارتباط با حجم کشتار زندانیان و مبارزه و مقاومت قهرمانان شان جلوگیری نمود که لازمه آن قطع عمومی ملاقاتهاست. همچنین برای حل مشکل قضاوت هیئتهای سه نفره ای مرکب از حکام شرع در هر استان تشکیل میگردد که این هیئتهای سه نفره را و مستقلا قادر خواهند بود حکام اولیه ما دره برای هر زندانی را در استان و یا شهرستان مربوطه به تصویب رسانده و بدین وسیله از راجع پرونده زندانیان به شورای عالی قضاوتی و اتلاف وقت پیشگیری بعمل آورند. در جریان اجرای این طرح خونین و ضد بشری بلافاصله از نیمه مرداد ماه ملاقاتهای زندانیان سیاسی قطع شده و دسته بندی زندانیان آغاز میگردد. در کام نخست بند زندانیان با مطلاع نسا آرام از بند زندانیان نسا دم کاملا تفکیک میشود. در همان ماه نخست اجرای این طرح پرونده زندانیان بلاتکلیف بسرعت به گردش درآمده و مورد بررسی قرا میگیرند و از آنجا شیکه لزومی بر ارسال پرونده محکومین در استانها اعدا به شورای عالی قضاوتی نبود، لذا با سرعتی خارق العاده بیش از یک هزار تن از بین دلاوران قهرمان خلق در سراسر ایران و در مسلخ کینه‌های طبقاتی دشمنان کارگران و زحمتکشان قربانی میشوند. به موازات آن فاز دوم طرح نیز آغاز شده و پرونده کلیه زندانیان زیر حکم که دوران محکومیت خود را بسر میبرند در دستور کار قرا گرفته و محاکماتشان از نو تجدید میشود. مدور حکام جدید برای زندانیان سیاسی نیز بر اساس درجه و مقام و میزان کیفی بودن آنها و عملکرد دوران اسارتشان معیارهای تشدید مجازات خواهد بود. یعنی کلیه زندانیان سر موضعی صرف نظر از مدت محکومیتشان تجدید

تا قطع کامل اعدامها مبارزه را ادامه دهیم!

تحمین و تجمع در دفاتر روزنامه‌های مستقل و عمومی، تحمین در مراکز ادبوسی - تلویزیونی، مصاحبه با روزنامه‌ها و تلویزیون‌ها، مراجعه به پارلمان‌ها، جمع آوری طومار و تظاهرات خیابانی و ایستاده در مقابل دفاتر صلیب سرخ و امنستیس فاجعه را بر روی آنتن‌های خبرگزاری‌ها برده و دیوار سکوت را در ایستگاه‌های ملی بشکنند. این یک موفقیت سیاسی بزرگ برای اپوزیسیون انقلابی و ترقیخواه در خارج از کشور بود که تقریباً در چند سال اخیر کم‌نظیر بوده است. فشار سیاسی ای که از این طریق بر رژیم جنایتکار اسلامی وارد شد و رهبران آنرا وادار کرد با وقاحت ولی از موضعی ضعیف به جنایاتشان اعتراف کنند، نشان داد که ما میتوانیم با هشاری سیاسی و استفاده موثر و پیگیری از مکانات موجود، توطئه‌های رژیم را افشاء و واقعا بمناسبت تربیون بین المللی جنبش مردم ایران نقش ایفا کنیم.

اتحاد عملها و کمیته‌های اقدام مدرسطحی وسیع و نسبتاً بی سابقه بمناسبت با زوی اصلی جنبش دمکراتیک در خارج از کشور عمل کردند. در رابطه با دادگاه گسترده افشاگری‌های رژیم بیدیه تامل مثبت رساننده‌های گروهی غرب نیز اشاره شود. اگرچه این رساننده‌ها بخشا و تا حدی مستقل از دولت‌ها و عمل میکنند ولی نمی‌توان رضایت دول امپریالیستی را که سودای کسب امتیازات با زسازی کشورمان را دارند و برای تضمین تداوم غارتگری‌ها ایشان به هر چه حقوق بشر نیز نیازمندند نادیده گرفت؛ بعلاوه همین دول نمی‌توانند نسبت به فشار افکار عمومی و احزاب مترقی و اپوزیسیون خود بی‌تفاوت باشند، بخصوص در رابطه با رژیم جنایتکاری چون جمهوری اسلامی که نزدیکی با آن چندان آسان و بدون مالیات نیست، با وجود اقدامات بموقع اپوزیسیون انقلابی و ترقیخواه از این شرایط، و افشاء وسیع رژیم ما هنوز با به شوم کشتار جمعی با قیامانده زندانیان را تهدید میکند، باید با درس آموزی از تجربیات دوره‌ها خبر و استفاده موثرتر از کمکهای بین المللی ایستادگانه اقدامات اعتراضی را از طریق وسیعترین بسیج‌ها در چهارچوب کمیته‌های اقدامات اتحاد عملها ادامه دهیم و تا کسب اطلاع موثق دال بر پایان یافتن اعدام‌ها از پای نشتیم. در رابطه با شعارها، باید توجه داشت که بغا طر اما دگی افکار عمومی و جنایات افشاء شده و موضع تداومی رژیم، دو شعار را نشان دهنده است: اعدام‌شدگان و تحریم رژیم تا قطع کامل کشتارها به شعارهای قبل اضافه شود. شعار تحریم رژیم اسلامی تا قطع اعدام‌ها، شعاری است که از طرف برخی فراکسیونهای حزب سبزها، نهادها و احزاب ترقیخواه دیگر مطرح شده است که زمینه را برای افزایش فشار بیشتر بر رژیم اسلامی فراهم می‌آورد.

چنانکه در فراخوان زیر ملاحظه میکنید، آقای سیروس ملکوتی، هنرمند پیشرو در اعتراض به جنایاتی که علیه زندانیان سیاسی اعمال می‌شود از تاریخ ۸۸/۱۲/۵ در شهر برلین دست‌آنها را به اعتبار غذا زده است. ما ضمن ابراز همبستگی و احساس همدردی با ایشان از همه هنرمندان و شخصیت‌های سیاسی مردمی میخواهیم مدای اعتراض خود را از هر طریق که میتواند، علیه این موج اعدام‌ها بلند کنند.

فراخوان

در اعتراض به اعدام زندانیان سیاسی و قرارداد فرهنگی بین دولتهای ایران و آلمان فدرال به همه آزاداندیشان و هموطنانم!

سالهاست که در تبعید به سر می‌بریم، لاکه چشم اندازی به راه نیست، تا از این برزخ زندگی بدر آئیم. در این رهگذر غریب شناور و جدا از یکدیگر به انتهای فردیتی مسخ شده برتاب شده ایم و همچون با گذر زمان به قعر این خلوت فروسی رویم.

می‌دانیم که در قلوب پاکتان زخمی زانده و کدورت برنشته است. زخمی که از سرشت بدگمان این روزگار زائیده شده است. و با زمی‌دانیم و دانید که فردیتان را مجالی به برپایی نماند نیست.

بر چنین سرشتی است که مرگ و امید و آرزو، از زندگی، تابوتی سرد و نفس گیر می‌سازد و در پیچ‌های امید به زنجیر، کشوده نخواهند شد.

اعتراض من بیش از آنکه بر این دولت مردان باشد، بر سکوت آزاداندیشان است. بر خاموش بودن خود ما، و بر انانسی و عادت بر این سوگواری متند است. انتظار من، انتظار نهفته در وجود تک‌تک عماست، همانا بیداری ما، همدردی و آوای دلنشین فریاد اعتراض ماست.

بر این اعتراض و با این اندیشه، با اعتماد غذایی خود را از روز دوشنبه ۸۸/۱۲/۵ آغاز می‌کنم.

سیروس ملکوتی

ساعت شروع: ۱۲ بعد از ظهر

مکان: AL-Büro
Badenschestr. 29
1000 Berlin 31
U-Bahnhof Berliner Str.

اشغال دفتر صلیب سرخ

گوتنبرگ - سوئد

اشغال دفتر صلیب سرخ بین المللی در اعتراض به کشتار زندانیان سیاسی در ایران

روز جمعه ۲ دسامبر در شبال فراخوانی در دفاع از جان زندانیان سیاسی و محکومیت جنایات رژیم جمهوری اسلامی که از طرف: فعالین هسته انقلابت گوتنبرگ، هواداران سفخا (اقلیت) گوتنبرگ، هواداران کانون سیاسی - فرهنگی خلق ترکمن گوتنبرگ، سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) و اتحاد گوتنبرگ و جمعی از ایرانیان مبارز مقیم گوتنبرگ داده شده بود حدود ۷۰ نفر در محل جمع شده و با حمل پلاکاردهای افشاء گرانه به زبان سوئدی "تروریسم جمهوری اسلامی را محکوم میکنیم" و "کشتارهای جمعی زندانیان سیاسی را در ایران متوقف کنید" دست به افشاگری زدند. آنها سپس وارد ساختمان دفتر صلیب سرخ شده و با مسئول این دفتر صحبت کرده و از او خواستند که به خواست آنها پاسخ دهد. وی قول داد که خواسته‌های آنها را به صلیب سرخ بین المللی تلکس کرده، هفته

بعد جواب آنرا به نمایندگان جمع اعلام خواهد کرد. خواسته‌های معترضین بدین قرار بود:

- ۱ - اعزام هیئتی از طرف صلیب سرخ جهانی و عقوبت بین المللی برای بازديد زندانیان ایران به منظور متوقف ساختن شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی.
 - ۲ - محکومیت جمهوری اسلامی از طرف دولت سوئد.
 - ۳ - لغو حکام اخراج متقاضیان پناهنده‌گی ایران و قبول پناهنده‌گی آنان.
 - ۴ - انعکاس واقعی جنایات جمهوری اسلامی ایران در رسانه‌های جمعی سوئد.
- سپس عده‌ای از شرکت کنندگان در آکسیون دسته جمعی (حدود ۲۰ نفر) به دفتر روزنامه GP (گوتنبرگ پست) رفته و خواستند که در خواسته‌های آنها را در روزنامه منتشر کنند. روز شنبه ۳ دسامبر خبر آکسیون ایرانیان در مقابل دفتر صلیب سرخ و توضیحی درباره جنایات رژیم جمهوری اسلامی در زندانها و کشتار زندانیان سیاسی به چاپ رسید.

آلمان فدرال - ها نوفر

گزارشی از اقدامات کمیته موقت هماهنگی دفاع از زندانیان سیاسی ایران در رابطه با اعدای اخیر و سفرگنشر به ایران

در تاریخ چهارشنبه ۸۸/۱۱/۳۰ بدعوت کمیته موقت هماهنگی دفاع از زندانیان سیاسی ایران - ها نوفر تظاهرات ایستاده‌ای در اعتراض به کشتار اخیر زندانیان سیاسی و سفرگنشر و زیرخا رجه دولت آلمان به ایران برای تقویت مناسبات با رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی، در مقابل مجلس ایالتی انجام گرفت، با وجود سرمای شدید و یخبندان برف و سرما زمان دادن ضرب‌العجل تظاهرات (ظرف یک روز بخاطر آنکه همزمان با حضورگنشر در ایران باشد) دهها نفر از ایرانیان خشمگین از اوضاع اخیر و نگران حال زندانیان سیاسی، از این تظاهرات استقبال بعمل آوردند. در طول مدت تظاهرات نماینده از جانب تظاهرات‌کنندگان به داخل مجلس رفتند و ضمن صحبت با نمایندگان احزاب مختلف حاکم و اپوزیسیون و ارائه خبرنامه و مدارک لازم در رابطه با اعدای اخیر، خواهش‌های زیر را مطرح ساختند.

۱ - طرح خیرات اعدای اخیر در مجلس، محکوم کردن آنها و درخواست توقف فوری اعدای اخیر.

۲ - محکوم کردن سفرگنشر به ایران که تا شیدی بر جنایات جمهوری اسلامی است.

۳ - درخواست اعزام هیئتی از نمایندگان مجلس به ایران و بررسی وضعیت حاکم بر زندانیان.

نمایندگان سوسیال دموکراتها و سبزها اظهار داشتند که سفرگنشر را باید محکوم کرد اما همه نمایندگان قول دادند که گزارش ازگنشر بخوانند و تلافی کنند که مجلس آلمان نیز این مسئله را بررسی کند و هما نظر که با آفریقای جنوبی رفتار میشود با

جمهوری اسلامی نیز برخورد شود. بدلیل این که در این حرکت هیچ خبرنگاری حضور نیافت تصمیم گرفته شد روز جمعه ۴ دسامبر دفتر NDR رادیو تلویزیون شمال آلمان اشغال گردد و خواسته‌ها مطابقت پذیر افشای اوضاع حاکم بر زندانیان، اعدام و شکنجه و انتشار اخبار موجود و ترتیب مما حبه تلویزیونی با

نمایندگان مجلس با حضور نمایندگان کمیته هماهنگی در همین رابطه، قطع فوری اعدام و شکنجه در ایران، آزادی زندانیان سیاسی، اعزام هیئتی بیطرف به ایران بدون قید و شرط برای بازدید از زندانیان، با توجه به موقعیت آلمان فدرال فشار آوردن این دولت به رژیم جمهوری اسلامی برای

خاتمه دادن به نقض حقوق بشر، تأمین شود.

روز جمعه جمعیتی بالغ بر ۱۴۰ نفر دفتر NDR را اشغال کرده و پلاکارتهایی با مضامین "لغو اعدام"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "NDR نقض حقوق بشر در ایران را با سکوت خود تظہیر

میکند" را به دیوارها و یژان کردند و خواستار صحبت با مسئولین NDR شدند. در این حین پلیس نیز در محل حاضر شده و خواستار تخلیه ساختمان بود و تهدید به دستگیری و جریمه اشغال‌کنندگان میکرد که البته

کسی بر آن واقعی ننهاد. بالاخره پس از مذاکرات

متوالی در ساعت ۲ توافق شد که در مورد شیوه پخش اخبار به نمایندگان کمیته هماهنگی حق اظهار نظر داده شود و قرار مذاکره‌ای در همین رابطه در حضور خبرنگاران روزنامه‌های هانوفر - مسئولین NDR و نمایندگان کمیته هماهنگی برای روز دوشنبه ۸۸/۱۱/۵ گذاشته شد.

خبر فوق در روزنامه‌ها نوفر شد. آنگاه در روز دوشنبه صبح چاپ گردید. روز دوشنبه بعد از ظهر نمایندگان کمیته هماهنگی در دفتر NDR حضور یافتند و با مسئولین NDR گفتگو کردند و توافقی حاصل گردید. شرح منسوطی در مورد اوضاع حاکم بر ایران و قتل عام زندانیان سیاسی و شیوه‌هایی که

آ مستردام - هلند

در یک اتحاد عمل رزمندگان هواداران : سازمان ما، سازمان چریکهای فدائی خلق - اقلیت، آلمان مستغنیان، سازمان وحدت کمونیستی حزب کارگران ایران - طوفان، جمعیت زنان ایرانی در هلند و جمعی از ایرانیان انقلابی، دفتر امنیتی

در شهر هلند به اشغال درآمدوا اعتراض کنندگان به اعلام عتاب غذا در این محل خواستار قطع اعدای

و اعزام هیئت رسیدگی به وضع زندانیان، محکوم کردن کشتار زندانیان، انتشار رویه‌نامه‌های از

کشتارها و شکنجه‌های زندانیان و تشکیل کنفرانس مطبوعاتی برای اشکاس دادن وضع زندانیان،

شدند. اقدام اعتراضی یا دشمنان با زتاب بسیار

گسترده‌ای بر سر راه‌های گروهی این کشور داشتند. اعتماد کنندگان موفق شدند از طریق کنفرانس

مطبوعاتی، احساس همدردی مردم این کشور را از خواستهای خود جلب کنند. پس از انتشار رپیه‌نیه

۱۲ سپتامبر عفوبین الملل وانعکاس یافتن اخبار اعدای شکنجه‌ها در رسانه‌های گروهی این کشور،

اعتماد کنندگان به کار خود پایان دادند.

دولت آلمان تاکنون در حمایت از رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی بکار گرفته است، ارائه دادند. مسئول مذکور خود را متعهد به انعکاس این اخبار دانست و پیشنها کرد برای هر چه موثرتر بودن خبر، رپرتاژ کاملی همراه با مما حبه در محلی که کمیته هماهنگی میباید ترتیب داده شود که بمدت ۲۵ دقیقه از تلویزیون NDR و حتی یکی از تلویزیونهای سراسری پخش گردد.

کمیته هماهنگی در حال حاضر در تدارک ایمن رپرتاژ میباید که به بهترین نحوی فاجعه اعدای

را در افکار عمومی مردم آلمان منعکس کرده و بازر افشای هر چه بیشتر چهره جنایتکار جمهوری اسلامی و فشار بر آن به منظور توقف اعدای

کلن - آلمان فدرال

آکسیون برای دفاع از زندانیان سیاسی

بدعوت جمعیت دفاع از زندانیان سیاسی ایران "بیش از چهارصد نفر ایرانی، روز سه

شنبه ۱۵ آذر (۶ دسامبر) در مقابل کلیسای بزرگ شهر کلن (Dom) گرد آمدند تا صدای اعتراض خویش

را نسبت به کشتار وحشیانه زندانیان سیاسی توسط رژیم خونخوار خمینی به گوش جهان بیاورند.

این تظاهرات در ساعت چهار و بعد از ظهر شروع و بمدت یک ساعت و نیم ادامه داشت و تظاهرات کنندگان

توسط اعلامیه‌ها و شعارهایی که حاکی از جنایات رژیم بوده افشای آن پرده ساختند. چند خبرنگار خارجی

و همچنین خبرنگارهای آلمان از این حرکت اعتراضی گزارش و رپرتاژ تهیه کردند.

بدعوت جمعیت دفاع از زندانیان سیاسی ایران در آلمان، تا مه‌های باامضا ۱۴۰۰ نفر خطاب

به دبیرکل سازمان ملل ارسال شد. در این نامه، امضاء کنندگان پس از تشریح اوضاع زندانیان

خواهان اعمال فشار برای قطع کشتار زندانیان سیاسی شدند.

آیا حزب "کمونیست" کومه‌ها را بزوا خارج می‌شود؟

حزب "کمونیست" کومه‌ها خیرا پس از غیبتی طولانی از صحنه فعالیت‌های دمکراتیک با ردیگر تقلاباتی را برای خروج از انزوا و همکاری با نیروهای دیگر آغاز نموده است. این جریان که در توهم سازماندهی با اصطلاح "مستقل" جنبش ضد جنگ و در بصره یکی از پشتک و اروهای دائمی خود از جنبش دمکراتیک کناره گرفت، اکنون پس از گذشت ماهها از فعالیت‌های گسترده برای دفاع از زندانیان سیاسی ایران که این حزب نقش نظاره‌گر "مستقل" اعتراضات عمومی را بازی میکرد، گویا دچار عذاب وجدان شده و با پذیرفتن راه برای اعمال "رهبری" دوباره مناسب یافته است، که رسماً بازگشت خود را در نشریه رساله‌ها اعلام میکند.

این بازگشت اما بمعنای نقد سیاسی گذشته و از جمله نقد انزواي گذشته نزدیک نیست. حزب "کمونیست" کومه‌ها نه برای رفتن خودونه برای بازگشت اخیرش مرتکب تحلیل نشده (خوشبختانه) و برای دیگران معلوم نکرده است که در دوران غیبت کبریا چه دستاوردی داشته و اکنون در انتظار کسدام نتیجه از بازگشت وی با دیدود، نشریه رساله‌ها سکوت در مورد بیان واقعی مدت زمانی که حزب فراخوان مستقل میداد و میخواهست همه را قبول پلاتفرم ضد جنگ خود جمع کنند نشان میدهد که ارزیابی ما از این سیاست، بعنوان سیاسی متناقض و در مسیر انزواي بیشتر درست بوده است.

تغییر سیاست این حزب در زمینه اتحاد عملها اما همچنان با فشاری بر مبنای فدمکراتیک با اصطلاح منزوی کردن راهکار صورت میگردد و این در حال نیست که با سیاست قتل عام زندانیان سیاسی که از سوی جمهوری اسلامی دنبال میشود، میبایست با جنبشی اعتراضی و بسیا رنیرومند برای دفاع از جان زندانیان سیاسی مقابله شود، ما فکرنمی‌کنیم که حتی رهبران حزب "کمونیست" کومه‌ها، با همه بی‌اعتنائی نسبت به نیازهای حیاتی جنبش توده‌ای، نتوانند این حقیقت ساده را درک کنند که کشتارهای جاری در زندانهای جمهوری اسلامی و اجرا قدم به قدم نقشه نسل کشی از سوی جلادان این جمهوری تنها با اتکاء به اعتراض وسیع، سراسری و متشکل و با جذب همه کسانی که خواهان دفاع از زندانیان سیاسی هستند به این جنبش میتواند متوقف یا کند شود. هرگونه ارزیابی بجز این و از آن بدتر هرگونه تلاش برای محدود کردن جنبش دفاع از زندانیان سیاسی و محور کردن آن در چارچوب گروه بندی‌های ایدئولوژیک نابخردی غیرقابل بخشی است. این بی‌خردی از سوی حزب "کمونیست" کومه‌ها از این روزه معیار روملاک تقریباً دائمی تبدیلی میشود که این حزب ذره‌ای از ضددموکراتیکسم پیشینه ما شویستی خود را نتوانی معمول و نا علاج یک اپوزیسیون افراطی در ارزیابی مستقل و واقع بینانه نه‌نی‌های یک جنبش انقلابی فاصله نگرفته

است. امروزه که بر طبق اطلاعات مختلف کشتارهای دسته‌جمعی زندانیان سیاسی هنوز ادامه دارد، مبارزه با هرگزایی که ضرورت وسعت جنبش اعتراضی را نشانگر کند و لاقیدانه بخواد را خودگیرد و با صرفاً برای آسودگی وجدان و با حفظ ظاهر دست به اقداماتی بزند، وظیفه همه کسانی است که با احساس مسئولیت نسبت به جان هزاران اسیر و بیستگان نشان در تکتا پوی مبارزه‌اند.

اما اگر در بین کمونیست کومه‌ها در بازگشت خود به سیاست اتحاد عمل با دیگران، مثل گذشته به تلاش در مورد حذف راهکار رگر همچنان ادامه میدهد و مثلاً در سوئد، نیروها بجز ما دعوت بکار مشترک میکنند و در فرانکفورت از این حدهم تجاوز میکنند و علناً خواستار این میشوند که کمیته برگزاری تظاهرات ده‌ها مبردر فرانکفورت به سازمان ما اجازت بخش اعلامیه در مسیر تظاهرات را ندهد و در ادامه تقلاباتی خود تا آنجا پیش می‌تواند که خواهان حذف طیف نیروهای اقلیت - که در فرانکفورت با رفقای سازمان ما اقدام به برگزاری یک اعتصاب غذای بسیار موفق نموده‌اند - بجرم اینکه این طیف به سیاست با یکوت راهکار رگر و منع حق تبلیغ آن اعتراض داشته‌اند میشود و پس از ناگامی در این مورد حاضر نمیشود که با این نیروها - هواداران اقلیت و شورای عالی - بیانیه و مفای مشترک بدهد. و اینها همه در حال نیست که در این تظاهرات جریان می‌مشکل اتحادیه کمونیستی - با سابقه روشن برای همه - نیز از جمله برگزار کنندگان میبایست.

می‌بینیم که گردانندگان حزب "کمونیست" کومه‌ها تنها به این اکتفا نمی‌کنند که خواهان حذف یک نیرو شوند، بلکه اولاً برای دیگران مقررات انضباطی تعیین میکنند و به آنها برای رعایت با یکوت ما فشار می‌آورند و ثانیا با راهکار رگر خود بیرون گذاشته و به حق تبلیغ ما تعرض میکنند. صرف نظر از اینکه ما به کسی اجازه نمی‌دهیم که به ما بگوید که تبلیغ کنیم یا نکنیم و کومه‌ها این راهکار آزموده است، بنفس اقدام کومه‌ها به طرح این درخواست نشان میدهد که این جریان چه استعدادها سرکوبگرانه و ضددمکراتیک خطرناکی دارد. حزب "کمونیست" کومه‌ها با دید به این سوال جواب دهنده بخش اعلامیه در فضای جنایات جمهوری اسلامی در زندانها به چه کسی زبان میرساند؟ آیا این همکاری عملی با جمهوری اسلامی نیست؟ و با لآخره آیا حزب "کمونیست" کومه‌ها را ای شیامت سیاسی لازم برای روبروشدن با نتایج عملی مثنی ضددمکراتیک خود است؟

این اما تمام ماجرا نیست. نیروهای حزب "کمونیست" کومه‌ها برای پیشبرد سیاست خود به شیوه‌های مزورانه‌ای متوسل میشوند که البته برای کسانی که با این حزب آشنائی نزدیکی دارند چیز

تازه‌ای نیست. برای نمونه در آشنای سازماندهی تظاهرات ده‌ها مبردر پاره‌ای از شهرهای آلمان نیروهای این جریان در پاسخ به پی‌جوشی‌های نیروهای دیگر در مورد علت عدم شرکت راهکار رگر مدعی میشوند که گویا از راهکار رگر دعوت شده اما این راهکار رگر بوده است که ضربه حضور در کمیته برگزاری نشده است. ولی از آنجا که نیروهای سوال کننده به این اطلاعات اطمینان نداشته‌اند گروه تحقیقی برای بررسی صحت و سقم این ادعا تشکیل میدهند و پس از روشن شدن حقیقت به افشای کومه‌ها دست می‌زنند.

بنا بر این دروغگوشی کومه‌ها به زبان وی تمام می‌شود. ولی کومه‌ها همچنان به سمپاشی‌های خود ادامه میدهد و برای منحرف کردن اذهان نیروهاها را با همه میکنند که گویا تظاهرات ده‌ها مبردر شهر بن که بدعوت ۲۵ تشکل دموکراتیک و مستقل از جریان‌های سیاسی سازماندهی شده بودند و نحوه برگزاری آن بخوبی این حقیقت را نشان داد، از سوی طیف توده‌ای سازماندهی شده است و شرکت سازمان ما در این تظاهرات چیزی بجز ائتلاف با این طیف نیست. در حالیکه برای کسانی که تشکل‌های فوق را میشناسند - و از جمله برای کومه‌ها - بخوبی روشن است که این تشکلها دارای گرایش گوناگون بوده‌اند و از جمله بسیاری از فعالین آنها را کسانی تشکیل میدهند که دشمن طیف توده‌ای و نیز کشورهای سوسیالیستی بوده‌اند و با کومه‌ها نزدیکیهای ایدئولوژیک قابل ملاحظه‌ای دارند. همه اینها واقعیتها نشان میدهد که دشمنی کومه‌ها نه تنها همکاران سابق جمهوری اسلامی که با تشکل‌های دموکراتیک، با کاردموکراتیک بر معنای پلاتفرم و موازین دموکراتیک و با افراد و نیروهای است که با گرایش ارتجاعی کومه‌ها مرز بندی دارند.

بنابراین تغییر سیاست حزب "کمونیست" کومه‌ها را می‌بایست بعنوان شگردی دیگر در ادامه خط نابود کردن جنبشهای دموکراتیک و با خرابکاری در این جنبش‌ها تلقی نمود. پس از پایان خواب زمستانی، یکبار دیگر با اتخاذ سیاست فرصت طلبانه فشار و تطمیع و با چاشنی دروغ و خودنمایشهای مهوع، ادامه می‌یابد. تلاشهای حزب "کمونیست" کومه‌ها در این راستا اما محکوم به شکست است زیرا اگر این جریان واقعا دردد این با شکدها دیگران فعالیت دموکراتیک مشترک بکنند و لواط اینکه این دیگران دارای گرایشهای سیاسی و ایدئولوژیک مشابهی باشند، منتهی پسند ما لارانه‌ها جگه‌گیری و فرصت طلبیهای ریز و درشت و پاپان ناپذیر که به اتکاء آن خط مثنی مستقل پرولتاریا! (مخدوش نمی‌شود و نیز عدم پیبندی این حزب به ابتدائی ترین موازین کار مشترک، اجازت منعی دهده که این همکاری از اقداماتی نیم بند و

غیرجدي فرا تریبوند، بیلان تاکنونی خط مشی کومه له صحت رهسوسا سی انتقادات ما را از این سیاستها تکرار کرده و نشان میدهد که نتوانسی کومه له در درویشی با نتایج سیاسی مٹی خود ناشی از ناتوانی این جریان در گسست با بینش عقب مانده و فسد دموکراتیک چپ پوپولیسیت و مائویست از یکسو و دوری از لنینیسم و روشنگریش لیبرالی با پوشش را دیگال از سوی دیگر میباید.

ما اما همچنان سیاست خود را در مورد مبارزه با تفرقه افکنی در صفوف تشکلهای دموکراتیک و استوار کردن فعالیتهای دموکراتیک بر مبنای پلاتفرم دموکراتیک را ادامه داده و در این راه از افشای جریانهای از نوع حزب "کمونیست" کومه له و مبارزه با ایدئولوژیک با چپهای پوپولیسیت دست نخواهیم کشید. جریان پوپولیسیت در سیاست خود در مورد فعالیتهای دموکراتیک همچنان بر مٹی سکتاریستی گذشته خود پافشاری میکنند. این جریانها تعلق غم اینگونه مدتی است ادعا میکنند به ضرورت کار توده ای و سازمانگری توده ای و کار در تشکلهای دموکراتیک واقف شده اند اما هنوز به درک این نکته حیاتی دست نیافته اند که در تشکلهای

دموکراتیک بلحاظ محتوای سیاسی و خط مشی توده ای شان نمی توان از یکی در بدو و روشنا نامه تعلق سیاسی اش را خواستار شد، بلکه می بایست با رعایت اکید موازین کار دموکراتیک و با کار جدی بر مبنای پلاتفرم دموکراتیک، انواع مختلف گرایشها را ست، سکتاریستی و غیره را منزوی کرد، بر مبنای بینش عقب مانده و سکتاریستی

فوق است که جریانهای نظیر اقلیت و شورای عالی سچفا در فعالیتهای مشترک و در چارچوب کمیته های اقدام طلب میکنند که این با آن "مرز بندی" صورت بگیرد. این رفقا قبل از آنکه با مشکل مرز بندیهای واقعی مواجه باشند، از "حرف مردم" و "ا همه دارند، این مردم" که همان افکار عمومی چپ کرخت و عقب مانده است آری

نمی بایست با لایحه یکبار از سوی این رفقا مسورد خطاب قرار گرفته و بوی این با ملاح مرز بندیها یا د آوری شود؟ آیا برای هزارمین بار می بایست آرمود را آرمود؟ آیا طیف پوپولیسیت هنوز در نیافته است که بسیاری از با ملاح چپهای دشمن حزب شده، با برناموشی مشابه آن فعالیت میکنند و تنها در نحوه حفظ نظام سرما به داری از بیورش انقلاب و در نزدیکی با این با آن قطب بورژوازی با این حزب اختلاف دارند؟ آیا بنیایهای مشترک سوسیال دمکراسی، جناح راست ما شوئیسم (ا اتحادیه کمونیستها و حزب رنجبران) و حزب توده برای پوپولیسیم غیر قابل رویت است؟ آیا لایحه آنها در منش ضد دمکراتیک حزب "کمونیست" کومه له و در شیوه های فرصت طلبانه این جریان نقاط مشترکی با منش مشابه حزب توده وجود دارند؟

اگر کسی خواهان کار دموکراتیک جدی است، باید بداند که چنین فعالیتی نه بر مبنای سوز - بندیها صورت میگیرد و نه بر مبنای ایدئولوژیک

کردن آن، فعالیت دموکراتیک منحصر بر مبنای پلاتفرم دموکراتیک صورت میگیرد، در غیر این صورت چنانکه در تجربه نیز نشان داده شده است پای مواضع ایدئولوژیک و تحلیلهای مستقل سیاسی بمیان کشیده میشود و بنا بر این سازشهای نظری و چک و چانه زدنهای غیر اصولی شروع میشود، کسی که در مورد نظرات خود سازش میکند و به این تن میدهد که بطور مشترک با جریان دیگری تحلیل ارائه دهد و این با مسئله مورد اختلاف را در زیر بگیرد، در بهترین حالت میتواند به فعالیت مشترک بی شرم و با کم ارزش دل خوش کند. علت اینکه تاکنون موفق ترین اقدامات و مبارزات دموکراتیک از سوی کارکنان و تشکلهای دمکراتیک و نه سازمانها و اتحادیه ها صورت گرفته است دقیقاً در این نکته است که با توافق نمودن در مورد چند درخواست روشن - قطع صدوراً صلح، دفاع از پناهندگان و... میتوان کار جسدی و وسیعی را به پیش برد و نه سازش کردن در مورد مسائل مورد اختلاف. مسائل که غالباً ربطی به فعالیت مشترک ندارند.

از این روم همچنان بر مبنای اصولی که گفته شد عمل خواهیم کرد و مبنای همکاری را در خواستهای روشن و مورد توافق قرار داده و به هیچ وجه به اتحاد موضع مشترک با دیگر جریانها در مورد مسائل که به این درخواستها ربطی ندارند دست نخواهیم زد، رفقای سازمانها نباید تحت هیچ شرایطی محدود بودن، مشروط بودن و موقتی بودن ائتلافهای

خود با هر نیرویی را از یاد برده و به این گرایش امتیاز دهند و به اظهار نظر مشترک در مورد مسائل مورد اختلاف بپردازند. همکاریها ما با نیروهای دیگر بر مبنای نقاط مورد توافق صورت میگیرد و این نقاط مورد توافق ممکن است تنها شامل این با آن درخواست دموکراتیک شود. ممکن است که ما در یک اتحاد عمل معین فقط بر سر درخواست اعزام هیئت برای بازدید از زندانها توافق داشته باشیم و بین ما و موفقیین ما هیچ نقطه مشترک دیگری وجود نداشته باشد و بنا بر این دلیلی ندارد که ما به جز در مورد موضوع مورد توافق در موارد دیگر نیز موضع مشترک بگیریم.

بعلاوه آموزش بخشهای عقب مانده چپ و بویژه پوپولیسیتها با اسلوب فعالیت دموکراتیک و اتحادیه ها و کمک به آنها در درک ضرورت حیاتی فعالیت مشترک، بویژه در شرایط کنونی و تمهیق این فعالیتها از جمله وظایف فعالین سازمان میباید. این وظیفه در هر منطقه در اخطای کامل با سیاستهای ارگانهای تشکلاتی منطقه ای میبایست صورت گرفته و حلقه اصلی آن منزوی کردن گرایشها سکتاریست و ضد دموکراتیک و در راست آنها حزب "کمونیست" کومه له میباید. ما در فعالیتهای دموکراتیک و در اتحادیه ها میبایست همواره مؤلفین خود را در مورد پذیرش موازین کار جمعی تحت فشار قرار داده و در مقابل تزلزلات و عدول آنها از اصول فعالیت مشترک سازش نکنیم، اگر حزب

"کمونیست" کومه له و گرایشها مشابه آنها حذف ما از فعالیت مشترک هستند. ما میبایست سیاستها را در آنها در صورت عدم پذیرش موازین فعالیت مشترک را در پیش گرفته و با نیروهای دیگر در مورد این موازین به مبارزه ایدئولوژیک و افشای دست بزنیم و در عین حال از اصول خود عدول نکنیم. سیاست فعالیت هدفمند را این راست است که ما میتوانیم با استفاده از تجربه کنونی به وظیفه خود در جهت سازماندهی هر چه وسیعتر جنبش دمکراتیک در خارج از کشور و گسترش همکاریها با نیروهای ترقیخواه، دموکرات و انقلابی عمل کنیم. این تجربه را می توان در چند محور عمومی به نحو زیر خلاصه نمود:

1- در فعالیتهای دموکراتیک چنانچه مبنای همکاری، چارچوب پلاتفرم تشکلهای دمکراتیک نباشد، چنین فعالیتی بخوابد و به مسائلی محدود در خارج از جایگاهش قرار دارد، نمی توان به هیچ وجه تشکلهای دمکراتیک با پایه توده ای ایجاد نمود. بنا بر این دقت در انتخاب پلاتفرم تشکلهای و اجتناب از گنجاندن مطالب ذهنی و شرطهای ایدئولوژیک و توجه اکید به ضرورت توده ای شدن و گسترش دامنه فعالیت تشکلهای انقلابی را است.

2- تشکلهای دمکراتیک، بنا به صفت خود همواره گرایشها ایدئولوژیک گوناگون را در صفوف خود می پذیرد، و این گرایشها بعنوان فراکسیون در این تشکلهای فعالیت میکنند.

3- در فعالیت در درون تشکلهای دمکراتیک و نیز در اتحادیه ها و عملیات نباید به هیچ وجه به این انحراف غلطی که گویا نیروهای مختلف میتوانند در برابر مسائل استراتژی انقلاب ایران و سیاستهای ائتلافی مستقل هر حزب مواضع خود را به هم نزدیک کنند و به اظهار نظر مشترک در مورد این مسائل بپردازند. همچنین فعالیت در چنین چارچوبی نباید به هیچ وجه به نقض حقوق دموکراتیک سازمانها و نیروهای اپوزیسیون و از همه مهمتر اصل آزادی سیاسی بی قید و شرط برای کلیه احزاب و گرایشها سیاسی منجر شود. همانطور که تاکنون گفته ایم ما در امتناع از همکاری با جناح راست ما شوئیسم اکثریت در عین امتناع خود به دلایل سیاسی به هیچ وجه مانع از فعالیت آنها نشده و متعرض حقوق دموکراتیک آنها نمی شویم و هرگونه تعرض به این حقوق از جانب هر نیرویی و با هر مستمکی را افشا خواهیم کرد.

4- در یک همکاری هر چه که نقاط مورد توافق دقیقتر تعریف شود و به همان نسبت از تلاش برای نزدیک کردن مصنوعی موازین اختلاف اجتناب شود بهتر میشود. همکاری را عمق داده و به نتایج سیاسی روشنی دست یافت.

با پیام کارگر همکاری کنید!

خبرهای کوتاه

طبق توافقنامه‌ای که بین ایران و فرانسه به امضاء رسید، ایران ۸ فروند هواپیمای ارباس از فرانسه خریداری خواهد کرد. این تعداد هواپیما که بتدریج در اختیار ایران قرار خواهد گرفت، هر کدام ۶۰ تا ۷۰ میلیون دلار ارزش دارند.

شرکت "تکنی پترول" ایتالیا موفق شد یک قرارداد ۱۲۰ میلیون دلاری برای احداث کارخانه "اولفین" سازی در تبریز، با جمهوری اسلامی امضاء کند.

بزرگترین حلیس آب تهران در ۲۸ آبان توسط پاسداران کمیته تخریب شد. رژیم علت این عمل را از دیدن دین و فروشندهگان مواد مخدر در آن اعلام کرد. این حلیس آب دهکده در تهران نپارس واقع شده بود ۶۸۶ خانوار شامل میشد.

پس از یاد روز مذاکره در بین هشتاد و چهارمین اجلاس کشورهای عضو یک با انتشار ربهایی به کار خویش پایان داد. طبق این بیانیه میزان سلف تولید و یک روزانه ۱۸/۵ میلیون بشکه و قیمت نفت بشکه‌ای ۱۸ دلار تعیین شد. سهم ایران در این اجلاس ۲/۶۴۰ میلیون بشکه در روز اعلام شد.

سرانجام پس از چندین ماه مذاکره بین دولت ایران و انگلستان، هفته گذشته طی مراسمی سفارت انگلستان در تهران بازگشایی شد.

هاشمی رفسنجانی در مصاحبه با خبرنگاران داخلی و خارجی در مورد احتمال دریافت وام توسط رژیم از بانکهای خارجی گفت "ما هنوز در این مورد تصمیمی نگرفته‌ایم ولی بطور قطع این آماجگی را داریم که از منابع ارزی خارج از ایران استفاده کنیم و در این صورت کیفیت آن با بدطوری باشد که بتواند برای توسعه کارهای زیربنایی کشور، انجام پروژه‌های مهم صنعتی و فنی استفاده کرد." (کیهان ۹ آذر) معادن و ثروت صنایع سنگین اعلام کرد که تاکنون از کل دانشجویان اعزامی به خارج از کشور ۵۰ درصد پس از پایان تحصیل به کشور بازنگشته‌اند، وی هم چنین گفت که در سال ۵۸ بیشترین تعداد ایرانی (۶۴۰ نفر) به قصد تحصیل ایران را ترک کرده‌اند. ۲۲/۷ درصد این دانشجویان در آمریکا، ۳۶/۳ درصد در اروپا و ۱۸/۲ درصد در آسیا تحصیل کرده‌اند.

محسن رضایی فرمانده سپاه پاسداران طی مصاحبه‌ای اظهار داشت که تشکیلات سپاه در آینده‌ای نزدیک بازاری خواهد شد. وی گفت که برنا مه این کسار تدوین شده‌وی ۶ ماه آینده اجرا خواهد شد. توسعه سپاه و اعطای مدارک نظامی به سپاهیان از جمله این برنا مه‌اند.

مجلس رژیم فقه‌ای حکمی، احکام ماده از طرف شورای انقلاب در سال ۵۸ را مبنی بر ماده املاک "تقساشی ها" را لغو کرد. بر این اساس املاک ماده شده در اختیار وراثت این خانها قرار خواهد گرفت. طبیعی است با پدید آمدن زکا و رزان با زپس گرفته شود.

سیستم کامپیوتری برای شکار افراد تحت تعقیب

پرونده‌های افراد متخلف و تحت تعقیب پرداخته و به این کار سرعت فوق‌العاده‌ای میبخشد. و کار آسانی این واحد (کمیته) را بطرز بی‌سابقه‌ای بالا خواهد برد.

قابل ذکر است که قبلاً نیز رژیم از چنین سیستم‌های در سپاه استفاده میکرده است.

توسط محتشمی وزیر کشور، سیستم جدید کامپیوتری "واحد اطلاعات و عملیات کمیته انقلاب" افتتاح شد. این سیستم عبارت از دستگاهی است که قادر است با نمد هزرا حافظه را در خود نگه دارد. بنابه گفته‌های مسئولین رژیم، این سیستم "با درج مشخصات افراد تحت تعقیب و خودروهای متخلف به بررسی

کسب تجربه از شیوه‌های زندانبانی در جهان

با گسترش روزافزون تعداد زندانبانان در سطح کشور و تجربه سرشاری که رژیم در سرکوب و کشتار آندوخته تمام مدیکتاتورهای جهان با پدید آمدن سیستم زندانبانی در ایران آشنا شوند و در این زمینه هیچ دژ خیمه‌ای با تجربه‌تر از سرمداران رژیم دردندانیا یافت نمی‌شود.

شوشتری رئیس سازمان زندانبانی رژیم اعلام کرد که "برای آشنایی با سیستمهای زندانبانی در دیگر کشورها، واحد تحقیق و پژوهش در سازمان زندانبانی کشور تشکیل شده است" وی هدف از این کار را "بررسی شیوه‌های مدیریت و سیستمهای زندانبانی در کشورهای مختلف جهان" ذکر نمود. طبیعی است که

بازگشت خانها و درگیری

در ۴ روستای شهریاری

بدنبال بازگشت خانها به روستاهای بکسه، سقچه‌چین، نگر و تراج شبه در منطقه شهریاری اقدام غیرقانونی آنان برای حفرچاه در محلی که باعث خشکیدن مزارع و آراضی دایرگشا و رزان میگشت، درگیری شدیدی که بین عوامل خانها و دهقانان بوقوع پیوست، با دخالت مامورین کمیته و سپاه و دستگیری تعدادی دهقانان پایان یافت. روستائیان در صحبت با خبرنگار کیهان اعلام داشتند که با وجود اینکه در سال ۶۴ حفرچاه در این محل ممنوع شده بود ولی خانها موفق شده‌اند از زمان آب منطقه مجوز دریافت دارند. آنان در ضمن مطرح کردند که خانها از دست دهقانان شکایت و تقاضای ۶ میلیون ریال خسارت کرده‌اند و این در صورتی است که دادسرای منطقه ۳۰۰ هزار ریال از آنان بابت پول تیری که سپاه و کمیته در درگیری آنان با خانان شلیک کرده‌اند نیز اخذ کرده است.

۱۰ سال زندان

برای عبور غیرمجاز از مرز

بنا به تصویب مجلس رژیم طبق قانون کمانی که بدون مجوز از مرز سیستان و بلوچستان عبور نماید به ۱۰ سال زندان و پرداخت جریمه نقدی ۲۰ میلیون و ۵۰۰ هزار ریال تا ده میلیون ریال محکوم خواهد شد. طبق همین قانون کمانی که قصد خروج غیرمجاز از کشور را داشته باشد دولتی هنوز اقدام به پتکار نکرده‌اند اما این افراد توسط نیروهای نظامی رژیم دستگیر گردند به دو ماه تا یک سال زندان محکوم خواهند شد.

گسترش اعتراض‌های دانشجویی

بهمراه معضلاتی که بر پای رژیم را دربر گرفته است و نمود آن در سرکوب و چشم‌میخورد، دانشجویان نیز طی چند ماه اخیر شاهد اعتراضات گسترده‌ای بودند. گسترش این اعتراضات به آن حد بود که رژیم تن به عقب‌نشینی داد. برای نمونه حرکت وسیع اعتراضی دانشجویان دانشگاه شیراز در اعتراض به افزایش قیمت غذا در سلف سرویس در آبان، با موفقیت دانشجویان و تعویض رئیس دانشگاه پایان پذیرفت. حرکت فوق‌العاده اولین حرکت موفقیت آمیزی چند ساله اخیر این دانشگاه می‌باشد. با جوشن دانشجویی که از اول ترم جاری برای این دانشگاه احکام است. اعتراضات روز به روز بیشتر اوج میگردد. در همین زمان اجتماع دانشجویان دانشگاه ادبیات این دانشگاه که با شکست شیشه‌ها پایان پذیرفت، خودشان دیگری است بر اوچگیری اعتراضات رژیم در مقابل اعتراضات دانشجویی در سطح کشورنا گزیر اعلام کرد که "اعتراضات منفی اخیر دانشجویان دربرخی دانشگاهها نشان میدهد که برنا مه توسعه علیرغم ضرورت با توجه به امکانات صورت نگرفته است و دانشگاهها نتوانستند دنیا زهای ضروری دانشجویان را برآورده کنند. مسئولان رژیم با اینکه سعی فراوان دارند تا این اعتراضات را مرفا منفی قلمداد کنند ولی در بررسی‌ها به ناچار مجبورند اقرار کنند که "اعتراضهای اخیر دانشجویی متاثر از خیلی از رویدادهای جامعه است که مشکلات رفاهی دانشجویان جزئی از این مسائل تلقی میشوند... آنها به بسیاری از مشکلاتی که جامعه خویش آگاهند... و نمی‌توانند چشم‌پوشی کنند و رندونادری‌ها را... نمانده بگیرند." (نقل قولها از کیهان هوشی ۹ آذر)

برزیل: پیروزی انتخاباتی چپ

برزیل درخیا با نهایی سا شوپولو و حیرت سرما به - داران گردن کلفت سا شوپولو شی خود بخوبی بیباگر مذبذبی طبقاتی است که در جریان این انتخابات شکل گرفت. حال چپ انقلابی با دیدن آندایسن پیروزی انتخاباتی را در خدمت تعمیق و گسترش مبارزه تشکیلی یافته کارگران و زحمتکشان بکار گیرد. در غیر این صورت، و هرگاه تنها به رتق و فتق امور جاری شهرداری بسنده شود، خطر جدی سرخوردگی زحمتکشان "حزب کارگران برزیل" را تهدید خواهد کرد. به ویژه که بورژوازی و دولت بطور قطع با کاهش بودجه و خرابکاریهای اقتصادی در صد افزایش فشار بر شهرداری بدهکار سا شوپولو (که هم اکنون بودجه ۵ میلیاردری و میلیونی بیش از آن بدهکاری مزارع و حقوق پرداخت نشده را در صندوق خود دارد) برخوایند. چپ انقلابی اعتماد دوده های میلیونی را در برزیل بدست آورده و با پدیدار شدن جهت کارمندان بسوی هدف اصلی یعنی دمکراسی واقعی و سوسیالیسم بکار گیرد. با پدیدار شدن پیروزی انتخاباتی به سکوی پرتابی برای تحقق خواسته های سیاسی کارگران و زحمتکشان تبدیل شود. با آرزوی موفقیت برای انقلابیون برزیل.

حمایت گری از "صنعت داخلی" را برگزیده، اما مسه یافت، در بخش کشاورزی حضور ملاکان گردن کلفت در دستگا رهبری "جنبش دمکراتیک برزیل" در برابر هر فرم ارضی نیم بند موانع جدی فراهم کرد و عملاً هیچ کاموشری در این زمینه برداشته نشد. زدو خورد های خونین میان کمیته های دفاع از خود دهقانانی که بدنبال سقوط دیکتاتور نظامی را با دست به مصا در زمین زده بودند و مزدوران اجبر سرما به - داران ملاک و "بی طرفی" دولت در عمل نتیجه ایسن سیاست بود. تورم چند صد درصدی، افزایش بیکیساری، که معنای جزیقی تر شدن هر چه بیشتر محرومان و در مقابل انباشت سرما به و ثروت در دست اقلیت - محدود، ره آورد کل سیاست اقتصادی دولت بود. در مقابل وجود فضای نسبی دمکراتیک موجب شد که طبقه کارگردست به زمانه گسترده ای بزند و در مقابل سیاستهای دولت از خود مقاومت نیرومندی

نشان دهد. اما هر بار که اعتماد نیرومندان کارگری چرخهای بخشهای کلیدی اقتصاد را فلج میکرد، دولت "دمکراتیک" به آنها نه حفظ نظم و آزان جالبتر "دفاع از دمکراسی" علیه کارگرانی که از حق طبیعی و برسمیت شناخته شده توسط قانون اساسی جدید برزیل - یعنی اعتماد استفا ده کرده بودند، به خشن ترین شکلی مداخله کرد. آخرین نمونه این برخوردهای "دمکراتیک"، تهاجم واحدهای ارتش به کارگران اعتماد بی مجتمع فولاد "ولتا ردوندا" بود. حدود ۲۵۰۰ تن از کارگران این مجتمع صنعتی در اعتراض به دستمزدها پایین و ساعات کار طولانی در محل کارخانه تحمیل کرده بودند. بدنبال امتناع مدیریت دربر آوردن کردن خواسته های آنان واحدهای زبده ارتش به کارخانه هجوم بردند و در یک درگیری نا برابر بر سه کارگر به شهادت رسیده و دهها تن دیگر زخمی شدند. شخص رئیس جمهور "خوزه سارنی" دمکرات (از ایسن اقدام واحدهای ارتش تقدیر کرد)

مجموعه چنین شرایطی است که موجب انبساط روی گردانی بخش وسیعی از توده های متوهم از دولت دمکراتیک موجب گردیدند. پیروزی انتخاباتی چپ نشان دهنده چرخش بخش مهمی از توده های خرده بورژوازی شهری و به ویژه شهیدستان شهری و روستایی به طبقه کارگران است. بخصوص پیروزی چشمگیر "حزب کارگران" در سا شوپولو یعنی پایتخت اقتصادی برزیل و بزرگترین شهر صنعتی این کشور، که توسط "کمربند فقر"، یعنی شهیدستان شهری که در اثر رونق اقتصادی "ده هفتاد" دهانه خراب شده و به حاشیه شهر - های بزرگ پرتاب شده اند، احاطه شده است. گسواه این نتیجه گیری است. در این شهر که نندیدای حزب زنی بنام "اروندینا" که یک ماکسیست شناخته شده در محافل کارگری و چپ برزیل است، با کسب نزدیک به چهل درصد آراء در صدر جدول انتخاباتی قرار گرفت. نظرات شادمانه کارگران زحمتکشان

انتخابات ماه نوامبر در برزیل آئینه تمام نمایی از تغییرات فضای سیاسی برزیل و صف آراشی نوین طبقاتی در این کشور است. این انتخابات که برای تعیین شهردارهای سراسر برزیل برگزار شده بود، یک پیروزی بزرگ برای کل نیروهای چپ است که در طیف چپ قرار میگیرند. اما در این میان "حزب کارگران" که بهترین و برجسته ترین سندیکا - لیست های برزیل را در خود جای میدهد به حق بزرگترین برنده این انتخابات بود. این حزب که به دنباله سلسله اعتماد با تکارگری برزیل در اوائل دهه هشتاد شکل گرفت، نماینده سندیکا لیسم انقلابی است. رهبران این حزب همگی از میان رهبران اعتماد عظیم کارگران فلزکار برزیل برخاستند و پیوندهای محکمی با توده کارگران دارند. گرچه آنها مبارزه برای برقراری سوسیالیسم و حکومت دمکراتیک کارگری را در برنام خود جای داده اند اما هنوز از یک حزب انقلابی کمونیستی فاصله دارند. هنوز فاصله ای که میان سندیکا لیسم انقلابی و یک حزب انقلابی کمونیستی وجود دارد از جانب این حزب طی نشده است. اما این هم مانع نمیشود که این حزب را بحق نماینده برجسته سطح آگاهی و تشکیلی طبقه کارگر برزیل ندانند. "حزب کارگران" برزیل آئینه کاملی از سطح رشد آگاهی و تشکیلی آنان است با تمام ضعفها و قوتها پیش.

پس از آنکه دیکتاتور و رشکسته ژنرالهای برزیل جای خود را به یک "حکومت غیر نظامی" داد حزب "جنبش دمکراتیک برزیل" با اکثریت قاطعی در انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شهرداریها به پیروزی رسید. این حزب ائتلافی از طبقات بورژوازی و ملاکان سرما پیدا را است. بخش مهمی از آنها را تن توسط وزرا و وکلای سابق دیکتاتور برزیل کنترل شده و از پشتیبانی ارتش برخوردار است. در حقیقت امر این حزب نماینده سازی بود که میان بخشهای مختلف بورژوازی بزرگ و متوسط برزیل، با پشتیبانی و نظارت آمریکا، صورت گرفت. این ائتلاف در هنگام "طلوع دمکراسی" در برزیل توانست اقتدار وسیعی از خرده بورژوازی مرفه، میانی و حتی تحتانی و نیز طبقه کارگران بدنبال خود بکشد. این واقعیت به ویژه خود را در پیروزی این حزب در انتخابات شهرداریها نشان داد به طوری که در ۲۲ ایالت از ۲۲ ایالت برزیل، نمایندگان حزب به پیروزی رسیدند.

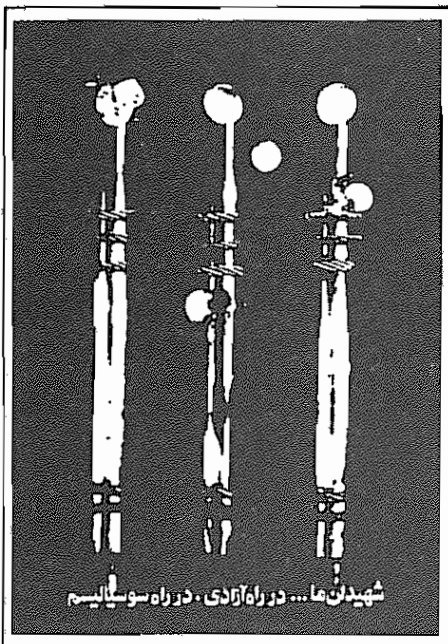
اما در میان سلطه این حزب به برزیل چیزی جز ادامه سیاستهای ویرانگر دیکتاتور نظامی در حیطه اعتماد نبود. همان "مکتب شیکاگو" معروف که با سیاستهای باز "جاپای" محکمی برای کشورهای چند ملیتی در اقتصاد اکثریت کشورهای آمریکا و لاتین فراهم آورده بود، با کمی محدودیت، مثلاً در حیطه ماشینهای حسابگر که دولت جدید سیاست

منتشر شده است



شهیدان ما... در راه آزادی، در راه سوسیالیسم

آلبوم شهیدان
سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)



شهیدان ما... در راه آزادی، در راه سوسیالیسم

مما حبه با حزب کمونیست ترکیه - اتحاد

سوال : شما روابط بین فراکسیونهای گوناگون بورژوازی با ارتش ترکیه را چگونه ارزیابی میکنید؟ در جنبش چپ ایران نسبت به این مسأله دیدگاهی وجود دارد مبنی بر اینکه: بورژواها ابتدا ارتش را فراخواندند، اما در حال حاضر میخواهند که او صحنه را ترک کند.

جواب : در ترکیه فرماندهان رده بالای ارتش از زمان تشکیل جمهوری، همیشه داخل سیاست بوده اند، مداخله و نزالها در سیاست فقط ناشی از کودتاها یا نظامی نبوده بلکه در شرایط حکومتهای غیرنظامی و پارلمانی نیز آنها در سیاست مداخله نموده اند. نزالها همیشه خود را صاحبان اصلی و تضمین کننده اقتدار بورژوازی دانسته و هر زمان چه آشکارا و چه در نهان بر حکومتها یا غیرنظامی بصورت یک اتوریته مستقل تا شیرگذاشته اند. حتی در دمکراتیک ترین دوره ها در ترکیه نزالها روی حکومت اتوریته اعمال کرده اند. بعد از سال ۱۹۶۰ نهادی بنام "شورای دفاع ملی" MGK متشکل از نخست وزیر بعضی از وزیران و نزالها با اجازه قانون اساسی (!) تشکیل شده است. در این نهاد "توصیه" های نزالها بصورت قانون درمی آید تا بدست دولت به اجرا گذاشته شود.

امروزه در میان سیاستمداران بورژوا هم رابطه ای بین ارتش و دولت غیرنظامی مورد بحث است. سیاستمدارانی مثل دمیرال و اوجویست (رهبران سابق حزب عدالت و حزب جمهوریخواه) سوسیال دمکرات (خواهان آنند که ارتش تحت فرمان غیرنظامیان قرار گرفته و قدرت نزالها محدود گردد. اما نه اوزال (نخست وزیر) و نسبه دیگران خواهان رژیم بدون نظامیان نیستند. در روزهای اخیر در حالیکه حال و هوای یک کودتای نظامی دیگر بر سر زبانهاست سیاستمداران بورژوازی طرفدار دمکراسی، در مخالفت با اوزال با کودتا - چنان جدید همدستی میکنند.

اما بلحاظ ما آنچه که اهمیت دارد اینست که: در دوره آتی چه حکومت عربی یا نظامیان روی کار باشد و یا حکومت پارلمانی در مقابل پرده ای که پشت آن نزالها ایستاده اند، دیکتاتور فاشیستی خود بخود از بین نمی رود. بعد از ۷ سال همان شرایط داخلی و خارجی که سرمایه انحصاری و مهربیالیسم را مجبور کرد تا به دیکتاتور فاشیستی مراجعه کنند، با برجاست. رژیم موجود رفته رفته بداخل یک بحران بسیار سنگین کشیده میشود. اما میدانییم که فاشیسم از تفادهای درونی خود سرنگون نمیشود و میتواند اشکال جدیدی برای تجدید سازمان خود بجوید. تنها حرکت ضد فاشیستی توده ای فاشیسم را نابود خواهد کرد.

سوال : اوضاع طبقه کارگر چگونه است؟ منظوری

تحرك وجدیتش است. با زیبایی بورژوازی را چگونه استقبال میکنند؟ اهداف و مبارزه اش چه خواهد بود؟

جواب : طبقه کارگر در یک توده ای ۷ - ۸ میلیونی دینا میک ترین قدرت جامعه ما است. ۲ میلیون نفر از این تعداد که البته اکثریت آن در سندیگاهای زردوسا زشکا راست، از لحاظ اتحادیه ای سازمان - یافته اند. غیر از آن از سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ دارای تجربه مبارزاتی غیر قابل گذشتی است. اما این هم حقیقتی است که هنگام کودتا پس از بسته شدن احزاب چپ قانونی و همه سندیگها به عنوان یک طبقه از خود مقاومت نشان داد. چرا چنین شد؟ وسط مبارزه کنونی طبقه کارگر کشورمان حالا در چه حدی است؟

پس از کودتای ۱۹۸۰ تعداد زیادی از گروه - های انقلابی خرد بورژوا (پوپولیست ها - م) علت شکست در مقابل کودتا را عدم هم پیوندی میان مبارزه انقلابی و طبقه کارگر دانسته و بسمت کار در میان طبقه کارگر روی آورده اند. گرچه این گرایش اساسا چیز درستی است اما میتواند به دنباله روی از طبقه کارگر منتهی گردد.

قبل از وارد شدن در بررسی سطح مبارزه کنونی طبقه کارگر ترکیه لازم است که پیرامون تجارب مبارزاتی گذشته آن به چند نکته اشاره شود.

در تاریخ ما مثل تاریخ کارگران فرانسه، آلمان جنبش کارگری معطوف به تصرف قدرت سیاسی وجود نداشته است. سالها ن متما دی موضع سیاسی طبقه کارگر حد اکثر در شکل حمایت از یکی از احزاب بورژوازی و ابرویز پیدا کرده است. برای اولین بار در سالهای ۱۹۶۰ TIP (حزب کارگران ترکیه) که بطور قانونی تشکیل شده بود توانست به میزان قابل توجهی رای کارگری جمع کند. در سالهای ۱۹۷۰ گرچه کارگران ملحق به آگاهی طبقه ایی افزایش پیدا کردند، اما هدف ایجاد یک قدرت انقلابی به سطح آگاهی توده ای ارتقاء نیافت. در حالیکه این ده سال دوره ای است که طبقه کارگر بیشترین تحرك سیاسی را از خود نشان داد. توده های وسیع کارگران در سالهای ۷۰ در محل کار و در محلات فقیرنشین علیه نیروهای رسمی و غیر رسمی فاشیست چه بصورت مقاومت آمیز و چه بصورت مسلحانه بصورت آکتیو و رادیکال فاشیستی شدند. مراسم اول ماه مه با تجمعات ۵۰ هزار نفره کارگری جشن گرفته شدند. غیر از این مطالبات اقتصادی، اعتراضات بزرگ و طولانی کارگری شکل گرفت. خلاصه اینکه در سالهای ۱۹۷۰ کارگران یکی از زنده ترین بخشهای مبارزه اجتماعی در حال جریان در کشور بودند. اما بدلیل نبود پیشاهنگ واقعی انقلابی، طبقه کارگر تحت نفوذ توده شریعمی

لیبرالیسم بورژوازی و فرمیسوسوبال دمکراسی بود و سازمانیابی کمونیستی در کارخانه ها ریشه نداشت.

از زاویه مبارزات سندیگاتی کودتای ۱۲ سپتامبر کارگران را بی شکل کرد و اعتماد با هر شکل از خواستهای صنفی را ممنوع کرد. هم سندیگای "دیسک" و هم سندیگای "تورک" - این بدلیل نداشتن پایه های سازمانی دمکراتیک در کارخانه ها پس از تعطیل شدن رسمی دربارتیک نیز نتوانستند نوعی از نطفه های تشکیل را باقی بگذارند. از طرف دیگر تلاش برای ایجاد سندیگاهای طبقه ای بیشتر در داخل دیسک شکل گرفته بود و از این رو کلا ضعیف بود. جنبش چپ از کارگران سندیگای تورک - این غفلت کرده بود. بنا بر این وقتی که کودتا سندیگها را تعطیل کرد، در محل کار، تشکلهای که بتوانند مبارزه را ادامه دهند وجود نداشت. بعلاوه هزاران کارگر انقلابی، سندیگای زندانی شده و با از کار خراج گردیدند. به این دلایل در مقابل کودتا در محل های کار مقاومتهای دسته جمعی شکل نگرفت.

بهر حال در شرایطی که همراه با کودتا، به لحاظ سیاسی فعالیت اکتا رخرد بورژوازی، جوانان و روشنفکران یک دفعه فول کرد، کارگران در سپاه - ترین روزهای دیکتاتور فاشیستی از مقاومت بدون اعدای خویش دست برنداشتند. طبقه کارگر در فاصله سالهای ۱۹۸۰ - ۱۹۸۳ در اشکال کم کاری، با یکوت غذا، اعتمادات بکروزه و یکسا عته مقاومت از خود نشان داد. یعنی در شرایط عقب نشینی توده ای از طرف اکتا رخرد بورژوازی، کارگران بیشتر از هر وقت دیگری مقاومت با ارا ده را دنبال کردند.

یکی از ویژگیهای امروزی جنبش کارگری قانونی بودن آن است. طبقه کارگر ترکیه تجربه اندکی در سازمانیابی و مبارزه غیر قانونی دارد. اما در مرحله ای کار غیر از فعالیت قانونی سندیگاتی، برای متحد کردن کارگران در کمیته های مخفی و نیمه مخفی کارخانه کوشیدیم. این کمیته ها غیر از فعالیت های معمولی سندیگاتی، بیشتر جوابگوی نیاز زمانی است که موانع قانونی سندیگها را از رسیدن به مقصود خود در مقابل بله مدیران و یا فاشیست ها محروم میکند. در کارخانه ها - شی که سازمانهای حزبی داریم، این کمیته ها تشکیل شده اند. در برخی جاها هم که رفقای ما نیستند کمیته های از این دست، بطور خود بخودی شکل گرفته است. اما این راه دیدیم وقتی که عادت کهنه فعالیت قانونی وجود دارد، متدهای مبارزه و تشکلیابی مخفی و یا نیمه مخفی از این دست براحتی مقبولیت توده ای پیدا نمی کنند. بنا بر این

با کشورهای سوسیالیستی هستند و در ذهن خود در یک ناکجاآباد یک سوسیالیسم خیالی می بردا زند، اما واقع گرا هستیم زشوری گرفته تا چین و ژاپن گرفته تا کوبا از نمونه های سوسیالیسم واقعا موجود درس میگیریم و معتقد هستیم که از هر کجا ما زانها با بد چیزها می آموخت و گرفت .

سوال : در مورد وحدت "حزب کمونیست ترکیه" و "حزب کارگران ترکیه" و برکشت دهبیرا ول های این دو حزب به ترکیه چه نظری دارید؟ این موضوع را رفرمیست ها در ایران (طیف توده ای) بسیار ربا زدند و از آن استقبال کرده و به چپ ایران آنرا بعنسون موفقیت طبقه کارگر ترکیه معرفی کردند .

جواب : در میان ما از قدیم بهترین نمونه و نما بنده قانون گرا می (لگا لیسیم) وپا رلما نتا ریسیم "حزب کمونیست ترکیه" بوده است . میدا نید که حزب کارگران ترکیه تا آستانه کودتا قانونی بود و معتقد بود که روزی با بدست آوردن ۵۱٪ آرا قدرت دولتی رابه دست خواهد آورد ، اما لگا لیسیم وپا رلما نتا ریسیم حزب کمونیست ترکیه ، با ندا زه حزب کارگران ترکیه علنی و روشن نبود ، چرا که این حزب غیر قانونی بود ، اما برنا مه حزب لگا لیسیم وپا رلما نتا ریسیم را هدف گرفته و در پی تشکیل اختلاف با سوسیال دمکراتها درپا رلما ن ترکیه بود ، آنها به این برنا مه اسم استراتژی "دمکراسی پیشرفته" گذاشته بودند ، غیر

از این شفاوت جزئی درظا هرپا به توده ای آنها در میان خرده بوروازی ، روشنفکران ، کارمندان و بنشأ در میان آریستوکراسی کارگری عینی هم بود . از این رو اتحاد دو حزب که برنا مه رفرمیستی یکسانی را ناما بندگی میکنند منطبق بر منطقی تاریخی است ، آنها برگشت رهبران خود را به کشور ، مسیری قهرمانانه جلوه دادند ، اما در واقعیت امر کارگری کردند ، آنها با این سروصدا تلاش کردند که تا کتیک سیاسی معینی را پشت این حرکت قایم کنند ، فکر میکنند که از لحاظ کمونیستهای ترک و کرد مشکلی به نام برگشت به کشور وجود ندا رد ، چرا که آنها همیشه در خاک کشور به مبارزه ادامه دادند ، کمونیستها و مبارزینی که با کودتا ۱۴ سپتامبر کشور را ترک کرده اند با در نظر داشت هرگونه خطر به داخل کشور

میروند ، مثلاما خود ما ۷ سال است که مرزهای زمینی ، دریایی و هوایی فاشیستها را به هیچ گرفته به داخل کشور رفت و آمد میکنیم ، اما از لحاظ "حزب کمونیست ترکیه" واقعا یک مشکل "برگشت" وجود داشته است ، آنها از سالهای ۱۹۵۰ به بعد در خسار راج از کشور پناهنده بوده اند ، ساله دوم و مهمتر از همه اینک آنها مشروعیت فاشیسم را قبول کرده به سفارت خانه های ترکیه رفته و برگشته و رود به کشور در یافت کردند و با فکر تشکیل یک حزب کمونیست قانونی در چپا رچوبهای قانونی فاشیستی به ترکیه رفته و تسلیم شدند . خلاصه کلام اینک هنگام رفتن به داخل کشور به توده های مردم بلکه به مبارزینست های اروپایی و دولت و زوال اعتماد دکرده بودند ، در فرودگاه غیرا زپلیسها ، کس دیگری به استقبال نیا مدوا آنها دستگیر شدند ، این حادثه در ترکیه تا شیر

بقیه در صفحه ۱۴

کرده وزیر پرچم سوسیال دمکراسی شونیست ترک رفته اند ، اینها هر قدر که روشنفکران کرد با شد و از ما رکیسم - لنینیسم لاق بزنند ، در عمل چیزی جز طرفداران سوسیال دمکراسی ترک نیستند و در خارج از کشور هم چیزی جز معرفی فرهنگ ملت کرد کاری انجام نمی دهند ، اما از نظر ما در مقابل آنها جریا ناتی مثل PKK (حزب کارگران کردستان) وجود ندا رند که با اراده مستحکم علیه فاشیسم استعمارگر مبارزه میکنند ، انحرافی که در چپ کردستان وجود دا رد ، اینست که نمی خواهد جنبش رها می بخشش در کردستان را با جنبش دمکراتیک - توده ای ترکیه پیوند بزند .

و حال مشکلاتی که جنبش چپ با بدیرا آنها غلبه کند : اول از همه عبارتست از این سوال کسه ؛ دیکتا توری فاشیستی چگونه سرنگون خواهد شد ؟ بایک جنبش انقلابی توده ای و یا ازینا به طریق لیبرالیسی دیدگاه دوم را اپوزیسیون بورژوازی لیبرال متمرکز در "حزب راه حقیقت" و "حزب سوسیال دمکرات" ناما بندگی میکنند و در میان چپها کسانیا آنها را حمایت میکنند ، از نظر ما در ترکیه یک بحران اقتصادی - اجتماعی مزمن و ساختی وجود دا رد و این پایه ما دی (شرایط عینی - م) به سرما به انحصاری فرصت دیگری را که بجای حکومتها ی زورگوسرکوبگر ، اشکال ملامتتری را انتخاب کنند ، نمی دهد .

دوم اینکه ؛ بدون در نظر داشت حضور نظامی ، سیاسی و اقتصادی امپریالیسم مگر در ترکیه میتوان علیه فاشیسم ژنرالها مبارزه کرد ؟ بعضی ها می گویند امکان نپذیرا است ، اما از نظر ما کودتای ۱۴ سپتامبر خود امپریالیسم آمریکا سا زمان داده و حالا هم توریته اصلی را روی رژیم دا رد ، بدون در نظر داشت امپریالیسم آمریکا و ناتیوا ژنرالهای طرفدار آمریکا و ناتیوا تونمی توان مبارزه کرد .

سوم اینکه ؛ بخاطر آوردن دمکراسی به ترکیه آیا حتما با بدیرا زار مشترک شد ؟ میگویند که امپریالیسم اروپا دمکرات است و در ترکیه دمکراسی را میخاود ، اما ما می گوئیم امپریالیسم نسه دمکراسی ، بلکه رتاجا عیبت تولید میکند ، غیر از این هم امپریالیستهای اروپایی کمکهای اقتصادی زیاد ی به کودتا چپها در کشور ما کردند .

چهارم اینکه ؛ خلق کرد مثل هر ملت دیگری در دنیا آیا حق تعیین سرنوشت خود را دا رد یا نسه ؟ کسانیا هستند که میگویند نه ، آنها معتقدند که مبارزه رها می ملی برای کردها زودا است ، اول ملت ترک انقلاب میکنند بعد خلق کرد را هم از ادخا هدر کرد .

پنجم اینکه ؛ علیه سرکوب ، شکنجه و اعمال غیر انسانی دیکتا توری فاشیستی آیا شدت عمل نیروهای انقلابی مباح است یا خیر ؟ عده ای می گویند خیر و شدت عمل عقدا شیستی مردم را به تروریسم یکی میدا نند .

غیرا مشکلاتی که در بالا اشاره کردیم مشکلات مشا به آن در میان سا زمانهای معتقد به سوسیالیسم ، مشکلات حل نشده مربوط به سوسیالیسم نیز وجود دا رد ، برخی از آنها معتقدند که تا بحال در هیچ کجا سوسیالیسم ساخته نشده و برخی دیگر در پی دشمنی

فروری است که ما با صبر و حوصله برای توده ها فرصت فرا هم آورییم تا آنها خود به تجربه خویش به بی شمر بودن این راهها برسند .

سوال : وضعیت چپ در ترکیه و کردستان ترکیه چطور است ؟ در وضعیت کنونی در میان چپ کسدا م مسائل مورد مشا جره است ؟ مسائلی که با بدیرا آنها جواب داد چه هستند و مشا بعنوان یک حزب دید - گاهتان نسبت به آن مسائل ویا بهتر بگویم برنامها - تان چیست ؟

جواب : اگر چپ ترکیه و کردستان را یکجا در نظر بگیریم ، ضرباتی که از کودتای ۱۴ سپتامبر خورد - اند و نتایج حاصل از آن راهنوز در حیات چپ می توان دید ، ایدئولوژی های انحرافی ، مسارزات انحرافی و در مورد تشکیلات همگی در مقابل کودتای آشکارا گردیدند ، از این رو خیلی از سا زمانهای چپ برنا مریزی اساسی برای چپماندا زآینده ندا رند و خود را با ضرورتها ی شرایط جدید منطبق نکرده - اند ، این وضعیت در جنبش ما یک ضعف عمومی است ، غیر از آن جنبش ما در شرایط پراکندگی اسیر کودتا گردید ، اما علیرغم گذشت ۷ سال هنوز یک وحدت مبارزاتی اساسی و مستحکم بوجود نیا مده است .

در این هفت سال برخی از سا زمانها به افلاس کشیده شدند ، پایه توده ای سا زمانهای که زبیس رفته اند ، نیز دچار پراکندگی شده اند ،

سراسیمگی ، ارتداد و فرار از مبارزه بعننوان ویژگیهای منفی دوران شکست گسترش پیدا کردند ، در یک طرف یک جریا ن با ویژگی انکارا ز رهشهای انقلابی و ما رکیسم - لنینیسم با چهره رفرمیستی بوجود آمد و در طرف دیگر خطی که از رهشهای انقلابی را حفظ کرده و محافظت می نماید ، جریا ن اول ساله ، دمکراسی را از مبارزه برای انقلاب تفکیک کرده و برای خارج شدن از سیطره فاشیسم به اپوزیسیون مخالف بورژوازی لیبرال دل می بندد ، اما جریا ن دوم شکست و ناتیوا بودی فاشیسم را جزئی از نتایج جنبش انقلابی خلقی میدا نند .

در گذشته صف بندیها در جنبش چپ ما بر اساس صف بندیها و انشعابات در درون جنبش کمونیستی بین المللی صورت میگرفت ، مثل طرفداران شوریه ، چین ویا آلبانی ، اما حالا با توجه به مواضعی که در رابطه با مسائل مشخص کشور ما دا رند ، مشخص میشوند .

اگر چه جنبش چپ هنوز نتوا نسته است یک اختلاف جبهه ای از بالا سا زمان دهد ، اما در عرصه های مختلف مبارزه مثل زندانها ، اتحادیه ها و جنبش دانشجویی هواداران سا زمانهای گوناگون با هم همکاری میکنند ، این اتحاد عملها ، اعتماد های متقابل را افزایش داده و برای اتحادها ی در سطح بالاتر راه را بزمی کند ، مثلاما بعد از ۱۰ سال برای اولین بار اول ماه مه سال ۸۸ با اتحاد عمل ۱۰ سا زمان در شهر استانبول با شرکت ۴ هزار کارگر و دانشجویان غیر قانونی جشن گرفته شد . در چپ کردستان نیز همین همان صف بندی که در بالا در مورد چپ ترکیه صحبت کردیم بوجود مسده است ، برخی از سا زمانهای کردها برنا مه انقلاب دمکراتیک ملی دا شدند ، عرصه های نیر در ترک

اخبار خارجی

ژنو

● با سرعفات رهبر سا زمان آزادی بخشن فلسطین در یک سخنرانی در مجمع عمومی سازمان ملل طرح سه مرحله‌ای را برای رسیدن به صلح اعلام نمود. برطبق این طرح در مرحله فعلی یک کمیسیون برای آماده‌سازی زمینه‌های تشکیل کنفرانس بین‌المللی فراهم میشود. سپس با خروج اشغالگران اسرائیلی از سرزمینهای اشغالی، این سرزمینها بطور موقت تحت اداره سازمان ملل قرار خواهد گرفت و آنگاه در کنفرانس صلح که توسط سازمان ملل برگزار خواهد شد، جزئیات توافق بر سر روابط بین اسرائیل و دولت آتی فلسطین مشخص خواهد شد. سخنرانی عرفات با استقبال عمومی کشورهای شرکت‌کننده روبرو شد درحالیکه نخست وزیر اسرائیل آنرا "حقه‌بازی عظیم" نامید و اظهار داشت که عرفات هیچیک از شروط آمریکا برای شروع مذاکره را نپذیرفته است. سخنگوی وزارت خارجه آمریکا نیز در اظهار نظر مشابهی گفت که سخنرانی عرفات نادرست و دوپهلوی بوده و به روشنی حاوی شرایط مطروحه از سوی آمریکا نمی باشد.

نیویورک

● میخائیل گورباچف رهبر شوروی در نطقی در اجلاس عمومی سازمان ملل اعلام نمود که شوروی در نظر دارد نیروهای خود را در اروپا بمقدار ۵۰ هزار نفر کاهش دهد. این اقدام یک جانبه صورت گرفته و در پایان آن نیروهای پیمان وورش تعداد ده هزار تا یک ۸۵۰۰۰ توپخانه و ۸۰۰ هواپیما در اختیار خواهند داشت. گورباچف از کشورهای غربی خواست که با دست زدن به اقدامات مشابهه خلع سلاح عمومی در اروپا را بگشایند. ناظران غربی ایمن اقدام شوروی را فربه‌سنگین دیگری به جناح‌های میلیتاریست ترا مهربا لیزم تلقی میکنند که اکنون به دشواری میتوان در مورد مناسبت آن سلیحه تسی و بودجه‌های عظیم آن به خطر موهوم از سوی شوروی استناد کردند.

فلسطین

● با سرعفات رهبر سا زمان آزادی بخشن فلسطین در پیامی خطاب به اهالی سرزمینهای اشغالی نوار غزه و ساحل غربی رود اردن از آنها خواست که به مبارزه خود شتدت بخشیده و اسرائیل را مجبور به عقب نشینی کنند. این پیام در زمانی فرستاده شد که با کشته شدن دونوجوان فلسطینی بدست سربازان اسرائیلی در منطقه نوار غزه اعتصاب عمومی اعلام شده و ارتش اسرائیل در این منطقه مقررات حکومت نظامی را اعمال میکند. همزمان با این حوادث، شمیر رهبر حزب لیکود نخست وزیر اسرائیل، قطعه‌های کنفرانس اخیر شورای عالی فلسطین را رد نموده و اظهارات عرفات را لفاظی‌های

بی محتوا نامید. وی در عین حال از کشورهای عربی خواست که به مذاکره مستقیم با اسرائیل بپردازند.

آلمان فدرال - هامبورگ

● در تظاهرات بزرگی که از سوی نیروهای جنبش فلسطین و چپ‌های را دیگال آلمانی در شهر هامبورگ برگزار شد، بیش از ۲۵ هزار نفر شرکت کردند. این تظاهرات که از سوی ۴۰ سازمان مختلف حمایت شده است، بهمناسبت یکمین سالگرد شروع نهضت توده‌ای در سرزمینهای اشغالی و با خواست حمایت از حق تعیین سرنوشت و حق ایجاد دولت فلسطینی برگزار شد.

سازمان ملل

● اجلاس عمومی سازمان ملل بهمناسبت چهارمین سالگرد صدور بیانیه حقوق بشر، به شش شخصیت بین‌المللی جوایزی به این مناسبت اعطاء نمود. یکی از این افراد دنلسون ماندلار رهبر زندانی کنگره ملی آفریقا است که تا کنون ۲۶ سال متوالی را در حبس گذرانده است.

شب پناهندگان ایرانی در لندن

کمیته پناهندگان کانون ایرانیان در لندن مراسمی را تحت نام شب پناهندگان ایرانی در تاریخ ۸/۱۰/۸۸ برگزار کرد. مراسم در واقع بهانه‌ای بود تا با ردیگرو وضعیت اسفبار رانگران کهنه پناهندگان و آوارگان ایرانی در ترکیه و پاکستان که بعد از قطع جنگ ایران و عراق و فعال شدن نقش دلال گونه رژیمهای ترکیه و پاکستان در استرداد آنها به‌خواست گرا شیده است، طرح شود و تا حد امکان حمایت از آنها فعال گردد. به همین جهت هم بود که در آغاز برنامه که بسیار متنوع تنظیم شده بود، از طرف کمیته پناهندگان متنی در همین رابطه قرائت گردید. و با اشاره به تیرباران ۵۸ تن از پناهندگان ایرانی مسترد شده از طرف دولت ترکیه و در محکومیت آن یک دقیقه سکوت اعلام گردید. در قسمتهای دیگر بر نامه قطعه کوتاهی اقتباس شده و نیرت، آوازیک گروه شیلیایی، نما پناهندهای بنام "پس فردا در بهشت" و موسیقی و آواز ایرانی به اجرا گذاشته شد که بسیار مورد استقبال قرار گرفت. در پایان مراسم هم برای کمک به پناهندگان و آوارگان ایرانی در ترکیه و پاکستان کمک مالی جمع گردید، که از جانب کمیته پناهندگان برای آنها فرستاده خواهد شد.

ادامه از صفحه ۱۳

مصاحبه با حزب کمونیست

مهمی در افکار عمومی توده‌ای برجای گذاشت و مردم این حرکت را یک تاکتیک غیر عقلانی دانستند. سوال: بعنوان سوال آخر میخواستم بدانم نظر حزب شما در مورد جنبش اسلامی در ترکیه و آینده آن، همین طور نسبت به خطری که این جنبش در ترکیه و منطقه بوجود آورده است چیست؟

جواب: بعد از به قدرت رسیدن خمینی در ایران ترکیه از طرف ناظران غربی بعنوان کشوری که در خطر اسلام قرار دارد عنوان گردید. البته همان طوری که در سایر کشورهای منطقه، در ترکیه نیز حکومت اسلامی ایران تا شایرات معینی را درگمتهش حرکت‌های اسلامی برجای گذاشت. اما یک خطر ارتجاعی اسلامی وجود ندارد.

بورژوازی کمالیست از ابتدای قدرت در جمهوری ترکیه به سازمانیابی مستقل گروه‌های مذهبی و گسترش مستقل اپدولوژیک آنها جدا از دولت اجازه نداد. این لائسیسم بورژوازی دورو و مستبد بوده است. اما علیرغم همه چیز بورژوازی کمالیست به موازات رشد مناسبات سرمایه‌داری در جادای توده‌ها از نرم‌های زندگی دنیوی اسلامی نقش بسیار روشنی داشته است. به ویژه امروزه در شهرهای بزرگ علیرغم اعتقادات مذهبی مردم، توده‌ها زندگی خود را نه بر اساس قوانین اسلام بلکه بر اساس فروروشهای مادی زمانه

تنظیم کرده و در مواضع سیاسی نیز نه بر اساس پایه‌های اعتقادات اسلامی بلکه بر اساس ترجیح‌های مدرن سیاسی حرکت میکنند. غیر از آن توده‌ها در آزادی اجرای قوانین شرعیات اسلامی نیستند. دو ما اینک در ترکیه بر اساس اعتقادات شیعه یک حرکت سیاسی ارتجاعی وجود ندارد. گرایش ارتجاعی بیشتر از همه مذهبی سنی را اساس قرار داده است. خلق‌های ترکیه علوی هستند. و مذهب علوی در دوره حکومت عثمانی همیشه زیرستم و فشار قرار داشته است. بعد از سرنگونی خلافت عثمانی توسط آتاترک قدری از فشارهای مذهبی روی آنها کاسته شده است. از این رو آنها گروه‌های اسلامی مربوط به مذهب سنی را حمایت نمی کنند.

از طرف دیگر دولت علیرغم غیرقانونی بودن "طریقته‌گسائی" که بنحوی از آنحاء با فرقه‌های مذهبی ارتباط دارد در مناصب حکومتی قرار داده و بدین وسیله از توریته این فرق سود برده است. اما از طرف دیگر بخاطر ترس از پناهندهای اعتقادات مذهبی صمیمانه توده‌ها در شکل دادن یک مخالفت همیشه علیه آنها شدت عمل بخرج داده است.

درواقعیت هم توده‌های مذهبی هستند، پناهنده بزرگی را در مخالفت با دولت حمل می کنند. غیر از این در سالهای دیکتاتوری فاشیستی میتوان از کم رنگ شدن شفا دین کمونیست‌ها و مذهب‌ها نام برد. نیروهای مذهبی ارتجاعی که از طرف عربستان سعودی حمایت میشوند امروزه در

گوتنبرگ - سوئد

خودکشی پدریک خانواده ۸ نفره

کشورهای امپریالیستی، سرمایه‌داران و دول مرتجع با حمایت از فرقه‌ها و دارو دسته‌های مسلح ارتجاعی در لبنان سالهاست که با طرز منافع خود آن کشور را عملاً برای مردمش غیرقابل سکونت کرده‌اند... واقعا هم‌جای تعجب نیست کسی علیرغم این همه‌گروگانگیزی با زهم‌کارانشان، سفر و اما موران کشورهای امپریالیستی در لبنان وول میخورند - و در کشورهای خود فراریان از این جهنم جنگ داخلی فرقه‌ها را با هزار رحله و شیرنگ واگرنشد با ردتقا غای پناهندگی شان با زهم‌برای گرم نگه‌داشتن تنور نفرت فرقه‌ای - مذهبی بسه لبنان با زمی گردانند، در همین رابطه است که بسه "خالد عبده پدریک خانواده" ۸ نفره که ۱۴ ماه پیش برای نجات فرزندان خود به سوئد پناهنده شده بود، با ردتقا ضابطی، حکم با زگشت ما در کردند. خالد که دیگر درین بستم قرار گرفته بود دست بسه خودکشی زد تا از مشاهده "چهره" فرزندان و وحشت زده خود آسوده گردد، همسر او در مراجمه "خبرنگاران بسه گزارشگریک روزنا مه محلی گفت: "تصمیم دولت سوئد بعد از ۱۴ ماه انتظار رمبیتی بر با زپس فرستان ما به لبنان شوهر ما را شوکه کرد، او دیگر نمی توانست غذا بخورد و بخوابد، دوستان ما سعی کردند او را آرام کنند، ولی او نمی توانست این خطر با زگشت به لبنان را تحمل کند و در حال افسردگی و بیاس روانی شد."

اگر چه خالد عبده به کمک خانواده و دوستان خود از مرگ نجات پیدا کرد و به بیمارستان منتقل شد، اما هر روز خانواده‌ای دیگر و پناهنده‌ای دیگر در گوشه‌ای از ممالک با ملاح پیشرفته غرب تحت فشارهای زندگی و بیاس ترس از استرداد به زندگی خود خاتمه میدهند.

مصاحبه با حزب کمونیست...

داخل حزب اوزال در همدستی با ژنرالهای امریکایی در حکومت شریکند، اینها از یک طرف در ادارات دولتی و در مدارس گروههای مذهبی سازمان میدهند و از طرف دیگر با سویدردن از امکاناتی که دولت فاشیستی در اختیارشان قرار میدهد، بصورت تاسیس بانکها و شرکتهای بزرگ گروههای سرمایه‌داریست میکنند، در میان گروههای اسلامی، خطر اصلی اینها هستند، ما ارتجاعی خطرناکتر از دولت خونیست و ارتجاعی - فاشیستی اوزال - اورن و همکاران ارتجاعی اسلامی آنها در تاریخ ترکیه نمی شناسیم.

با پیام کارگر همکاری کنید!

یورش مسلحانه مزدوران حزب الله

بار دیگر رژیم خونخوار جمهوری اسلامی، جنایتی تازه آفرید و خون تعدادی دیگر از هموطنانمان را بر زمین ریخت. ظهر امروز ۵ دسامبر حوالی ساعت ۱۲/۵، مزدوران حزب الله مسلح، به تجمع پناهندگان ایرانی در جلوی دفتر پناهندگی سازمان ملل (کراچی) حمله می‌شوند و با شلیک بی‌دری چندین کتله، تعدادی از هموطنان مبارز را از ناحیه سر، کمر، پا و دست مجروح می‌نمایند. جریان واقعه بد بصورت بود که یکی از مزدوران بمحفل بساط فروش کتاب و نشریه "جریانات سیاسی نزد یک میشود و از فاصله چند متری، شروع به شلیک می‌نماید، که در همان ثانیه‌های اولیه حداقل پنج نفر از پناهندگان مجروح میگردند. جراحات وارده به یکی از پناهندگان بنام "محمد" آنچنان شدیدی بود که باعث جان باختن او میشود.

محتلا مزدور فوق توسط یک ماشین، که جهت حمایت از او در یکی از خیابانهای اطراف پارک شده بود، از مرکز بدر برده میشود. نکته قابل توجه اینکه مقامات UN کراچی هیچگونه مساعدتی به مجروحین حادثه نمیکنند و حتی یکی از مسئولین پس از مشاهده یکی از پناهندگان، که از ناحیه سر زخمی شده بود و در حالت اغما بسر میبرد، عرضی اینکه یکی از ماشینهای UN را در اختیار پناهندگان قرار دهد، سراسیمه به پلیس تلفن می‌نماید. به این ترتیب حدود ۱۵ دقیقه مجروحین حادثه در جلوی UN ماندگار بودند، تا اینکه پناهندگان با متوقف نمودن یکی از ماشینهای پاکستانی، پناهنده‌های را که از ناحیه سر مجروح شده بود، به ماشین نامبرده منتقل میکنند و سایر مجروحین را به زور سوار یکی از ماشینهای UN نموده و بسه بیارستان رهسپار می‌نمایند.

هواداران سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

۵ / دسامبر / ۱۹۸۸ / کراچی



اطلاعیه مطبوعاتی

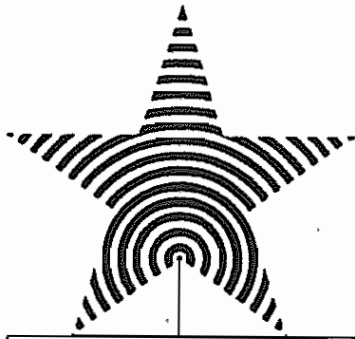
کمیته خارج از کشور

سازمان کارگران انقلابی ایران

(راه کارگر)

بدنبال قتل عام زندانها ن سیاسی تروریسم حکومت اسلامی در خارج از کشور مجدداً فعال گردید. روز ۵ دسامبر ۸۸ در ساعت ۱۲/۵ یک پناهنده ایرانی در شهر کراچی بدست مزدوران حزب اللهی بقتل رسید. این واقعه در زمانی اتفاق افتاد که پناهندگان ایرانی برای دریافت حقوق ماهانه در محل UNHCR کراچی تجمع کرده و نیروهای سیاسی ایرانی نیز برای عرضه ادبیات خود فعال بودند. یک نفر حزب اللهی با اسلحه بسه جمع پناهندگان حمله کرد و در اثر شلیک او یک پناهنده بنام محمود شهید و چهار نفر دیگر زخمی گردیدند.

این عمل جنایتکارانه حکومت اسلامی نشان دهنده گسترش موج جدید تروریسم اسلامی در خارج از کشور و تاکید بر عجز و ناتوانی این حکومت جهت مقابله با نیروی فزاینده اعترافی و مبارزاتی مردم میهن ما چه در داخل و چه در خارج از کشور است.



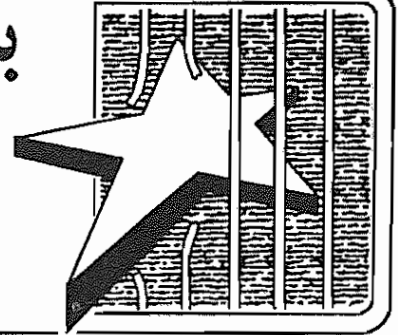
صدای کارگر

راه پوی سازمان کارگران انقلابی ایران دره کارگری

- ★ برنامه صدای کارگر هر شب ساعت ۹ روی موج کوتاه ردیف ۷۵ متر برابری ۴ مگا هر تری پخش می گردد.
- ★ این برنامه ساعت ۱/۶ صبح روز بعد مجدداً پخش می شود.
- ★ جمعه ها برنامه ویژه پخش میگردد.
- ★ برنامه صدای کارگر ویژه کوردستان هر روز از ساعت ۴ بعد از ظهر به زبانهای کردی و فارسی پخش می گردد.

برای آزادی زندانیان سیاسی متحداً مبارزه کنیم!

در صفحات ۵ و ۶



تظاهرات مقابل سفارت رژیم درین



مجدداً طلب میکنند:

- ۱ - اعدا موشکجه در زندانهای ایران بلامدرستی متوقف گردد.
- ۲ - هیئت های از جانب مراجع بین المللی برای بررسی وضع زندانها به ایران فرستاده شود.
- ۳ - شخصیتها، نهادها و دولتها شی که دفاع از حقوق بشر را سرلوحه فعالیتها و قوانین اساسی خود قرار داده اند در رابطه با جمهوری اسلامی، بی وقیح ترین ناقض حقوق بشر، فجایع به اوج رسیده جاری را از نظر دور نداشته، از تمامی امکانات و وسائل برای تامین آزادی بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی ایران که جرمانه داشتن تفکری بجز تفکر حاکم است، به ما بیاری رسانند. در پیسان قطعاً ما شرکت کنندگان "حرکت هما هنگ همه ایرانیان خارج از کشور" و "همگامی سازمانها و نهادها و مراجع بین المللی را" برای تحقق این خواسته ها، خواستار گردیدند.

بدعوت ده سازمان صنفی پناهندگان در آلمان فدرال روز ۱۱ آذر (۲ دسامبر) شهرین شاهد تظاهرات پیش ازین نعدنفرای در مقابل سفارت رژیم، در اعتراض به قتل عام اخیر هزاران زندانی سیاسی در ایران بود، تظا هر کنندگان با اجتماع در جلوی سفارت رژیم و فریاد شعارهای مبتنی بر محکوم نمودن اعمال سنگین رژیم به مدور قطعنامه های مبادرت نمودند که در آن از جمله آمده است "رژیم خمینی با بی اعتنائی و قیاحتها به تمامی موازین و میثاقهای بین المللی و مفاد اعلامیه حقوق بشر و لگدکوب و خشپناهندگانترین حقوق انسانی، زیر سایه توجه افکار عمومی جهان به مذاکرات صلح ایران و عراق و هیاهوی دروغین و ریاکارانه "عفو عمومی زندانیان سیاسی" حتی آنان را که به حکم احکام مردود و فدی بشری دادگاههای انقلاب رژیم دوران محکومیتشان سپری شده و با در حال سپری شدن است، گروه گروه شهربان و حلق آویز میکنند... شرکت کنندگان در این حرکت اعتراضی امروز

ALIZADI B.P.195
75564 PARIS - CEDEX 12
FRANCE

POSTFACH 650226
1 - BERLIN 65
W - GERMANY

اسامی تعدادی از شهدای

سازمان کارگران انقلابی ایران اراه کارگر

در جریان اعدام های جنایتکارانه زندانیان سیاسی، تعدادی از کارها، اعضا و هواداران سازمان مانیز بشهادت رسیدند، اما هنوز موفق نشدیم آمار دقیق تعداد شهدای سازمان را مشخص نماییم و تنها اسامی تعداد محدودی بصورت قطعی روشن شده است. این رفقا عبارتند از:

- رفیق علیرضا تشید
- رفیق لهراسب صلواتی
- رفیق رحیم حسین پور رودسری
- رفیق عبدالمجید سیمباری
- رفیق رضا دانائپور
- رفیق عادل طالبی
- رفیق حمید دین خواه
- رفیق جعفر ریاحی
- رفیق محمد ریاحی

راه سرخ این یاران عزیز تا پیروزی قطعی طبقه کارگر در جدال مرگ و زندگی برای آزادی و سوسیالیسم ادامه خواهد یافت!

مهنار	۵۰ مارک	لیست کمکهای مالی	ما زیار	۷۶۵
ف - ر	۲۰۰	" سپیده " ۴۰	عادل	۷۸۴
بهزاد	۲۵۰	" غضنفر " ۱۰۰	داراب	۷۸۷
س - س	۲۷۰	" بهمن " ۴۰	عبدالله	۷۸۸
سپیده	۲۰۰	" خوشدامن " ۶۰	علی	۱۰۰۰
ن - ن	۳۰۰	" همایون " ۱۰۰		۵۶۲
ظفر	۳۰۰	" ز " ۵۰		۹۳۲
شهره	۶۰۰	" محمود فلاح " ۵۰		۶۸۳

